



انترناسیونال ۳۸۴

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

جمعه ۱ بهمن ۱۳۸۹، ۲۱ ژانویه ۲۰۱۱

سردبیر: کاظم نیکخواه | anternasional@yahoo.com | Fax: 001-519 461 3416 | جمعه ها منتشر میشود

صفحه ۱۲ | **انقلاب در تونس: به پیش!**



در منگنه انقلاب و ضد انقلاب

پیرامون نامه فرخ نگهدار به خامنه ای

کاظم نیکخواه
نامه فرخ نگهدار به خامنه ای
را شاید خوانده باشید. این نامه
بسیار با ارزش است. مانیفست
کل بورژوازی ایران در دوره کنونی
است. آینه تمام نمای تصویر و
صفحه ۳

نامه حمید تقوایی لیدر حزب

کمونیست کارگری ایران به

مردم تونس



با گرمترین درودها و تهنیتها!

انقلاب در تونس و مصافحایش!

محسن ابراهیمی
تا همین چند هفته پیش و در
طول چند دهه گذشته، سرمایه داری
غرب، همراه با طبقه حاکم تونس،
از این کشور با لقب "بیر اقتصادی"
قاره آفریقا یاد میکردند. اما این
بیر اقتصادی، از سفره خالی
جمعیت عظیمی از کارگران ارزان
تغذیه میکرد. با قطع سوبسیدها و
تحمیل ریاضت اقتصادی و
قیمتهای سرسام آور مواد خوراکی
فربه میشد. با دزدی از جیب کارگران
تهیدست پرواز میشد. با ارتزاق از
شیره جان کارگران میغرید. بر روی
دوش میلیونها جوان بیکار راه
صفحه ۲

کشاکشهای پشت پرده ترور فیزیکدان ایرانی!

هادی وقفی
جمهوری اسلامی طی هفته
اخیر باصطلاح اعترافات "مجید
جمالی فاش" را از تلویزیون خود
پخش کرد که متهم به جاسوسی
برای اسرائیل و ترور دکتر
"مسعود علمحمدی" - فیزیکدان
و دانشمندی که گفته می شود در
فعالیت های هسته ای ایران دخیل
بوده - شده است.. جمالی فاش
صفحه ۸

شنبه ۲۹ ژانویه (۹ بهمن) روز جهانی دفاع از زندانیان سیاسی و علیه اعدام

صفحه ۹

صفحات دیگر

نامه مینا احدی به رسانه های ایرانی در خارج کشور
صفحه ۱۲

شورای اتحادیه های کارگری ونگورو و حومه در کانادا به
لیست فراخوان دهندگان ۲۹ ژانویه پیوست
کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده تشکیل شد
پایان اعتصاب ۹ روزه کارگران کیان
صفحه ۱۱

حکم اعدام سکینه باید رسماً لغو شود
قاتلان، حسین خضری را هم کشتند!
به یاد فرزند صفی پور یکی دیگر از ...
دو جوان همجنسگرا در پیرانشهر در خطر اعدام
صفحه ۱۰

تجمع اعتراضی کارگران شرکت تبریز ساختمان
صفحه ۶

مبارزه انقلابی شما علیه رژیم دیکتاتور
حاکم تا همینجا دستاوردهای ارزشمندی
داشته و الهام بخش مردم به تنگ آمده از
رژیمهای سرکوبگر در کشورهای عربی، در
منطقه، و در کل دنیا بوده است. بویژه مردم
ایران که در سال گذشته در مقیاس میلیونی
علیه رژیم جمهوری اسلامی بپا خاستند با
امید و شغف به مبارزات شما چشم دوخته
اند. پیروزی شما پیروزی همه مردم منطقه و
در یک سطح عمومی تر همه جهانیان در
مبارزه علیه فقر و ستم و سرکوبگری خواهد
بود و مستقیماً بر مبارزات آنان برای رسیدن
به آزادی و برابری تاثیر خواهد گذاشت. ازینرو
این وظیفه همه نیروهای انقلابی است که با
دقت سیر تحولات در تونس را دنبال کنند و
تحلیل و ارزیابی و تجارب و نقطه نظرات خود
را در اختیار شما قرار بدهند. یکی از
"خدمات" دیکتاتوربهرانی نظیر رژیم بن علی
به طبقه حاکمه سرکوب نیروهای چپ و
انقلابی و محروم کردن جامعه از احزابی است
که در چنین شرایطی بتوانند رهبری انقلاب را
بدست بگیرند. نظر دهی و برخورد فعال
احزاب انقلابی دنیا به انقلابات جاری میتواند
عامل موثری در بر کردن این خلا و کمک به
سازمانیافتن و تحزب بخشیدن به انقلابات
باشد. در پاسخ به این وظیفه من لازم میدانم
نکاتی را با شما در میان بگذارم.
تجربه همه انقلابات و از جمله انقلاب
۱۹۷۹ ایران نشان میدهد که نیروهای
ارتجاعی و ضد انقلابی در سطح محلی و
جهانی تلاش میکنند تا با حداقل تغییرات و
با حفظ بخش هر چه بیشتر ی از نهادها و
صفحه ۸

هدف بلافصل انقلاب در تونس!

مصطفی صابر، صفحه ۷

برگزاری مراسم علیه اعدام در سلیمانیه

صفحه ۶

بازتاب هفته

مذاکرات هسته ای، ادامه بازی موش و گربه

بهر روز مهر آبادی

سودان پس از همه پرسی برای جدایی ایالات جنوبی

بهر روز مهر آبادی

دادگاه حریری، جمهوری اسلامی و حزب الله لبنان!

محمد شکوهی

انقلاب زنده است، اینبار در تونس

یاشار سهندی

صفحات ۵-۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

انقلاب در تونس و ... از صفحه ۱

محسن ابراهیمی



میرفت. در میان دنیای تباه شده نسلی تحقیر شده و مستاصل و بی آینده و بیکار جولان میداد. این ببر اقتصادی، ببر صندوق بین المللی پول و بانک جهانی بود. این "ببر اقتصادی" در عین حال به مشابه "بهشت ثبات" مایه مباحث طبقه حاکم بود که ۲۳ سال تمام در باره اش رجزخوانی میکرد. تا همین چند هفته پیش، تصور بر این بود که کارگران و مردم زحمتکش همیشه به کار ارزان و بیکاری گسترده و فلاکت اقتصادی تن خواهند داد و در مقابل استبداد سیاسی برای همیشه خاموش خواهند ماند. تصور بر این بود که "ببر اقتصادی" آفریقا قرار است تا ابد در "بهشت ثبات" جولان دهد!

هفته گذشته همه چیز یکباره زیر و رو شد. نسلی که در هر گوشه و کنار زندگی تباه شده اش، آثار چنگالهای خوین این ببر اقتصادی نمایان بود یک باره بپا خاست و در میان بهت و حیرت طبقه حاکم تونس و حامیان جهانیش، زمین زیر پای طبقه سرمایه دار تونس را تکان داد. تونس به صحنه جدال شور انگیز انقلابی بزرگ علیه طبقه حاکم تبدیل شد. نسلی که به زندگی جهنمی در "بهشت ثبات" محکوم شده بود بپا خاست و در همان خیزش اول، مستقیماً قدرت سیاسی حاکم را به چالش کشید. بهشت سرمایه داری آفریقا به جهنمی سوزان برای طبقه حاکم تبدیل شد. انقلاب تونس آنقدر قدرتمند بود که با همان تکان اولش، بن علی را به دامن شیخ مرتجع عربستان سعودی فراری داد.

در تونس، انقلابی بزرگ برای آزادی و برابری آغاز شده است. انقلابی برای بازگرداندن اختیار و آزادی به توده های میلیونی طبقه زحمتکش و کارکن این جامعه. یکی از شعارهای این انقلاب به خوبی گواه محتوای انسانی انقلاب تونس است: "نان، آزادی، کرامت". گواه این است که طبقات زحمتکش تونس عزم کرده اند ثروت اجتماعی خلق شده توسط خودشان را از حلقوم اقلیت میلیاردر حاکم در بیاورند. عزم کرده اند حلقوم پلیسی و سانسور و سرکوب را از عرصه زندگیشان جارو کنند. عزم کرده اند آزاد و برابر و انسانی زندگی کنند. اما این انقلاب، همچون هر انقلابی برای آزادی و برابری، مصافهایی بزرگ پیشا روی خود دارد و فرجامش به این گره خورده است که چگونه بر این مصافها

فاتح آید. مهمترین مصاف همین لحظه انقلاب، تعیین تکلیف قدرت سیاسی است. روشن کردن تکلیف حکومتی است که ضربه جانانه ای خورده است اما در هم نشکسته است. سرگیجه گرفته است و تلو تلو میخورد اما بر زمین نیفتاده است. هر دو طرف، هم صف انقلاب و هم صف مقابل به اهمیت حیاتی این تعیین تکلیف واقفند و کشمکش برای تعیین تکلیف قدرت سیاسی با شدت و سرعت خیره کننده ای به پیش میرود. فرجام انقلاب، به درجه زیادی اما نه تماما، به پیشروی صف انقلاب در این مهمترین مصاف لحظه حاضر گره خورده است.

در لحظه حاضر تکلیف قدرت سیاسی یکسره نشده است. خیابانها در دست مردم است. مردم از طریق خیابان اعمال قدرت میکنند. این نمایش قدرت آنچنان مشهود است که حتی بی بی سی با اکرار اعتراف میکند که به نظر میرسد "انقلاب تونس ادامه دارد". اما در مقابل قدرت خیابان، ارگانهای کلاسیک قدرت سیاسی - ارگانهایی که ضربه خورده اند اما ویران نشده اند، نامشروع شده اند اما جارو نشده اند - در دست طرفداران نظام سابق سعی میکنند در نقش دولت ظاهر شوند اگر چه با پسوند "موقت". خیابان با قدرت تمام از طرف انقلاب سخن میگوید؛ مجلس و کابینه از طرف نظام سابق استغاثه میکند. خیابان آنقدر قدرت دارد که همه تغییرات در بالا عکس العملی به خیابان است. همه جایجاییها، انتصابها و استعفاها و عزلها و نصبها و تشکیل و عزل مکرر کابینه ها و وعده ها، تماما در واکنش به قدرت خیابان شکل میگیرد. همین وضعیت تاهمینجا مانع بازسازی و انجام گرفتن قدرت سیاسی سابق در قالبی جدید شده است. انقلاب، علیرغم فقدان یک رهبری سیاسی سراسری، آنقدر خودآگاه است که اجازه نداده است شناخته شده ترین تاکتیک حکومت در حال سقوط یعنی دولت موقت "وحدت ملی" حتی یک ذره مشروعیت پیدا کند. "همه نظام سابقها باید کنار بروند." این فریاد خشمگین مردم در همین روزهای اخیر بود. اما اگر چه توده های وسیع مردم

از طریق خیابان قدرتمندی میکنند اما نتوانسته اند خود را به مشابه ارگان اعمال حاکمیت انقلاب سازمان دهند. در نقطه مقابل، از نقطه نظر طبقه حاکم ضربه خورده، اول باید همین خیابان را آرام کرد. و خیابان آرام نمیشود مگر این که مردم خیابان را ترک کنند. مردم خیابان را به سادگی ترک نمیکند. یا باید سرکوبشان کرد یا باید فریبشان داد. اما کجاست آن نیرویی که بتواند چنین سرکوبی را سازمان دهد؟ کابینه ای که سرکرده سابقش فرار کرده است؟ نیروهای امنیتی ای که رئیسش زیر فشار انقلاب دستگیر شده است؟ پلیسی که ناگزیر شده است با تک تیراندازان پنهان شده اش ارباب کند؟ ارتشی که برای نجات انقلاب مجبور شده است در کنار انقلاب عکس بگیرد؟

سرکوب اما فقط به خشونت عبریان سازمانهای سرکوب رسمی محدود نیست. ضدانقلابی که از قدرت سرکوب ارگانهای کلاسیک محروم شده است، به شیوه های دیگری دست برده است تا مردم را از انقلاب کردن پشیمان کند. مردمی که نان نداشتند، رفا نداشتند، آزادی نداشتند ولی "امنیت" و "ثبات" داشتند را شاید بتوان با کاپوس نامنی و هرج و مرج به خانه بازگرداند! فراموش نکنید که ما در دنیایی زندگی میکنیم که جهنمی که بر خاکستر موشکهای دمرکراسی غرب در عراق بر جای مانده است هنوز پیش چشم مردم جهان است. جهنمی که در میان آتش سوزانش، حتی نوستالژی دیکتاتوری صدام هم جا باز کرده است! تعجب نباید کرد که در این مورد، بن لادن و نیروهای آدمکش امنیتی بن علی و بی بی سی دارند نقش مشابهی بازی میکنند: القاعده به خانواده های تونس پیام داده است که جوانانشان را تشویق کند به القاعده بپیوندند! مردم تونس به این مالیخولیا حتی تره هم خرد نمیکند. القاعده سهل است. تا همین الان جواب رشید الغنوشی اسلامی را که به قول نواندیشان دینی ایرانی، "همان خانی خودمان" است را جوانان تونس اینچنین داده اند: "تونس ۲۰۱۱ تهران ۱۹۷۹ نیست. تو اگر آمدی ما با بیکی می آیم فرودگاه، دنبال! می بایست لرزه بر پیکر جمهوری اسلامی بیافتد که در یک کشور "اسلامی" با یک حکومت "سکولار" انقلابی علیه فلاکت اقتصادی راه افتاده است که در عین حال انقلابی علیه همه نیروهای ارتجاعی از جمله جنبش اسلامی

است! انقلاب علیه بن علی انقلاب علیه سید علی هم هست! در انقلاب تونس، عکس چه گوارا بالا رفت نه خمینی و شیخ نصرالله. نیروهای امنیتی وفادار به حکومت بن علی در قالب میلیشیا تقلا میکنند انتقام انقلاب مردم را با نا امنی و کشتار بگیرند. اما خیابان که نقطه قدرت انقلاب است، پاسخش را با کنترل شهر توسط جوانان پاسخ داد. و بالاخر بی بی سی، سرنوشت تلخ الجزایر را نشان انقلابیون تونس میدهد: یاد آوری میکند که الجزایر پیش از این خواست انقلاب کند اما ۲۰۰ هزار کشته تحویل گرفت و طعنه میزند که "حال بعضی از جوانان معترض تونس به این نتیجه رسیده اند که نوبت کشور آنهاست که بخواهد انقلاب مردمی را تجربه کند."

اما، ضد انقلاب، در کنار ارباب و سرکوب مستقیم که تاکنون کارساز نشده است، ابزارهای پیچیده تری در آستین دارد: تخطئه انقلاب، فرسوده کردن انقلاب. فریب انقلاب. اگرچه انقلاب تونس، از رهبری سراسری یک حزب مسنجم چپ آزادخواه و برابری طلب محروم است؛ اما آنقدر خود آگاه است که تا همینجا شگردها و شیوه ها و تاکتیکهای طبقه حاکم برای فریب انقلاب را یکی پس از دیگری پس زده است. هر عقب نشینی در بالا را به پیشروی در خیابان تبدیل کرده است و با هر پیشروی یک عقب نشینی تازه به صف ضد انقلاب تحمیل کرده است. با اولین موج خیزش مردم، دیکتاتور وعده داد دیگر دیکتاتور نخواهد بود اما انقلاب پیام داد کل دیکتاتوری مسئله اش است. دیکتاتور وعده داد اصلاً رئیس جمهور نخواهد شد؛ اعتراض گسترده تر تحویل گرفت. پیام داد که پیام انقلاب را شنیده است اما معلوم شد که مثل همه دیکتاتورها پیام انقلاب را دیر شنیده بود. دیکتاتور فرار کرد اما مردم کل نظام دیکتاتوری فاسد را به مصاف طلبیدند. نوبت تحریک سیاسی نخ نما برای اصلاح نظام به خاطر حفظ نظام شروع شد. معمولاً شخصیتهای "وجیه الممله"، مهره های این مرحله از پیشروی انقلابها هستند اما ضد انقلاب، انقلاب را دست کم گرفت و به همان چهره های سابق و منفور نقش چهره های وجیه المله را تفویض کرد. به ترتیب، نخست وزیر سابق و سخنگوی سابق مجلس، بر تخت بن

علی نشستند تا آرامش برقرار کنند. اما با اعتراض گسترده تر روبرو شدند. دولت "وحدت ملی" اعلام کردند، جواب گرفتند: "همه رژیم سابقها باید کنار بروند." چند رهبر اتحادیه وارد کابینه "وحدت ملی" کردند که مثلاً نشان دهند دولت دیگر مردمی است. اما همینها هم زیر نگاه خشمگین انقلاب، فوراً صف دزدان نظام سابق را ترک کردند. استعفا از حزب منفور رئیس جمهور فراری راه افتاد، انقلاب کنار رفتن همه سران سیاسی سابق از قدرت را در مقابلشان گذاشت. اعلام کردند این دولت موقت است، اما موقتا هم نتوانستند مردم را از خیابان جمع کنند. این نشان میدهد که انقلاب تا لحظه حاضر فریب نخورده است.

انقلاب در تونس، تا همینجا و با همین دستاوردهای اولیه اش، توازن قوای نیروهای سیاسی دخیل در سرنوشت سیاسی منطقه را به نحوی پایه ای بر هم زده است. این انقلابی است که هم نیروی فعالش در خیابانها، هم شعارها و مطالبات و آرمانهایش، عمیقاً انسانی، طرفدار آزادی و برابری است. این جنبش بورژوازی ناسیونالیست برای استقلال و تقسیم سهم میان سرمایه داران بومی نیست. این جنبش روشنفکران ناراضی بلوک شرق برای جایگزین کردن سرمایه داری دولتی با سرمایه داری بازار آزاد نیست. این جنبشی برای سهمیم کردن اقدار وسیعتری از بورژوازی کشور در سفره چپاول نیست. این جنبش اصلاح نظام برای رهایی کل نظام نیست. این اعلام جرم میلیونها انسان زحمتکش و ستم دیده و پایمال شده در خاورمیانه و شمال آفریقا علیه نظام طبقاتی سرمایه داری و حکومتهای حافظ این نظام و حکام مستبد و دزد و فاسدشان است. این انقلابی است که در اهداف و آرمانهای بنیادی اش، با انقلاب عظیم ایران در سال ۱۳۸۸ شانه میزند. این تلاشی برای جابجا کردن مهره ها نیست. انقلابی برای زیر و رو کردن کل نظام موجود است با تمام اقتصادش و با تمام سیاستش. دقیقاً به همین دلیل است که این انقلاب، علیرغم فقدان یک رهبری سراسری شناخته شده و تحزب یافته، تا کنون به وعده هایی برای اصلاح نظام سابق تن نداده است.

در اتاقهای فکر سرمایه داری جهانی تلاشی فشرده راه افتاده است تا کل ماجرا را با جایجاییهای سیاسی در

در منگنه انقلاب و ... از صفحه ۱ کاظم نیکخواه



بوژیایی که میتوان آنرا لیبرالیسم ایرانی یا لیبرال - اسلامی های ایرانی نامید وقتی از آزادی یا اصلاحات سخن میگوید، واقعا منظورش چیست. چگونه اصلاحاتی است. و به کجا میخواهد برود. نشان میدهد که حتی اپوزیسیون غیر حکومتی بوژیایی ایران نه فقط بندنافش را از جمهوری اسلامی نبریده است، بلکه بطور جدی و فعال به هر دری میزند که این حکومت را از انقلاب و فروپاشی نجات دهد. سی فرخ نگهدار در این نامه و در تمام موضع گیریهای این یک سال اخیرش نشان میدهد که دارد همان خط معروف و نامیمون اکثریت و حزب توده اوایل روی کار آمدن جمهوری اسلامی را با جسارت و صمیمیت دنبال میکند. همان خطی که مارک خائن و خیانت را به این سازمانها چسبانده است. اما من این توصیف "خیانت" را در مورد طیف اکثریتی - توده ای گویا و درست نمیدانم. وقتی نیرویی مدام دارد "خیانت" میکند معلوم است که امرش و جامعه اش چیز دیگری است و او را در جای نادرستی تعریف کرده اید. "خیانت" جدا از بار صرفا اخلاقی و سنتی آن، وقتی معنی دارد که کسی یا نیرویی به امر تعریف شده و متعهد شده اش پشت پا میزند. اما آیا جریان اکثریتی توده ای در این چند ساله خود را به چیز دیگری جز دفاع از جمهوری اسلامی، اصلاح این حکومت، قانون اساسی این حکومت و اصلاحاتی در چارچوب این حکومت متعهد دیده است؟ جنبش اینها همین است. ضد انقلاب و ضد آزادی و ضد مردمی است. امر اینها همین است. جامعه مورد نظر اینها نیز همین است. به همین دلیل حتی امروز بعد از سالها که زیر فشارهای جدی ای از سوی جامعه و چپ قرار گرفته اند و مجبور شدند انتقاداتی نیم بند از خود بکنند، باز هم عین گریه مرتضی علی سر هر بزنگاهی چارچودست و پا به همان موضع و سیاست فرود می آیند. آقای فرخ نگهدار در این راستا از همه امین تر و صریح تر است. وقتی که احمدی نژاد سرکار آمد فرخ نگهدار آن حرف معروفش را بیان کرد که "من تا کنون در کنار دوم خرداد علیه ولی فقیه بوده ام اما اکنون اعلام میکنم که در کنار ولی فقیه علیه جناح نظامی امنیتی می ایستم" و در همین جهت این روزها

چنان دردی در جان آن خاندان کاشت که به یک قرن هم پاک نمی شود" فرخ نگهدار در ادامه خطاب به خامنه ای میگوید "...این خطای سیاسی را جبران کنید، خود را از اسارت یک جناح رها سازید، به مسوولیتی باز گردید که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر عهده شما نهاده است". اینجا دیگر کاملا روشن میشود که او ولی فقیه را در چارچوب قانونیش میخواهد که حفظ و هدایت نظام اسلامی و قوانین اسلامی و قانون اساسی است. فرخ نگهدار در دفاع از کربوبی و موسوی نیز به درگاه خامنه ای پناه میدهد و از پایبندی آنها به نظام اسلامی دفاع میکند و آنرا نقطه مثبت مهم آنها میدانند "در جناحی که شما خود را به آنان نزدیک تر می دانید عده ای بر آقایان موسوی و کربوبی و همفکران اتهام می زنند که آنها از نظام جدا شده، سمت "براندازی نرم" رفته و "فته جویی" کرده اند. این سخنان دور از حقیقت است. این عناصر صادقانه صحبت نمی کنند. رهبران معترض از بریارندگان جمهوری اسلامی ایران، از صاحبان اصلی این نظام اند. بی اعتنایی به قانون اساسی در کارنامه آنان نیست... و باز در جای دیگری چنین ادامه میدهد "کار کسانی که جز به هموار سازی راه آشتی ملی نمی اندیشند آن است که به همگان بیاورانند که می توان نگذاشت کار به آنجا بکشد که کار از کار بگذرد و راه اصلاح مسدود شود. من به وضوح برق این دغدغه را در رفتار آقایان موسوی و کربوبی و خاتمی و اخیرا در سلوک آقای هاشمی می بینم و می پسندم. کسی که به امکان اصلاح رفتار رهبران معتقد نیست اصلاح طلب نیست."

بن بست بوژیایی ایران

شاید بازگویی نقل قولها تا همینجا برای خواننده کافی باشد. تمام این نامه بر همین روال است. و یکی از اسناد با ارزش جنبش بوژیایی ایران در این دوره است. شاید چیز تازه ای در این نامه نباشد اما تازگی این نامه در این است که کلیت تصویر کل جنبش بوژیایی در ایران را یکجا و با صراحت منعکس میکند. در این نامه شما میتوانید بطور موجزی دغدغه ها و نگرانی ها و تصویر کل بوژیایی از اصلاحات و انقلاب و مردم و آزادی و حقوق مردم را ببینید. این در واقع مانیفست جنبش و جریان بوژیایی لیبرالی ایرانی است. اما از جنبه هایی کل بن بست بوژیایی ایران را بیان میکند. بوژیایی ای که در منگنه

انقلاب مردم و ضد انقلاب حاکم قرار گرفته است و مدام دارد عجز و لایه میکند و مشککش با ولی فقیه اینست که این واقعیت را نمی بیند که انقلاب دارد گریز ناپذیر میشود.

فرخ نگهدار نشان میدهد که وقتی بوژیایی از اصلاحات سخن میگوید حرف اساسیش اینست که ولی فقیه فقط یک جناح را نمایندگی نکند بلکه بر فراز کل جناحهای حکومتی قرار گیرد. قانون اساسی جمهوری اسلامی تمام و کمال اجرا شود. و وقتی بوژیایی ایران از آزادی سخن میگوید دغدغه اش آزادیهای سیاسی به مفهوم وسیع کلمه نیست بلکه آزادی جناحهای حکومت و جریانات بوژیایی است. نشان میدهد که بوژیایی ایران با دیکتاتوری مذهبی و اسلامی و تهاجر و سنگسار و اعدام و عقب ماندگی و زندگی زیر خط فقر کارگران و مردم و کل جهنم موجود مشکل جدی ای ندارد و مساله اش نیست. بلکه اینها را نعمت میدانند و میخواهد در استفاده از این نعمت سهیم شود. این همان خط و سیاستی است که با جمهوری اسلامی برای دستگیریها و سرکوبها همکاری و همراهی و خدمت کرد. و امروز هم دارد نشان میدهد که اگر جناح حاکم حاضر شود آنها را به بازی بگیرد به سادگی این آمادگی را دارد که به همان شغل ناشریف بازگردد. اگر به همان سالیهای بلافاصله پس از انقلاب ۵۷ بازگردیم متوجه میشویم که اینها آن زمان نیز کمابیش همین خط را داشتند. جناح بعدا دوم خردادی جزئی از دستگاه حکومتی و سرکوب بود و مشکلی با حکومت نداشت. سلطنت طلبان تازه از قدرت به زیر کشیده شده بودند و امکان عرض اندامی نداشتند. توده ای - اکثریتی ها هم داشتند همین خط را با جنایتکاری تمام پیش میبردند. از جبهه ملی ها هم آنها که با بختیار به پابوس سلطنت نرفته بودند، سرشان در آخور حکومت اسلامی بود. اکنون حدود سی سال پس از آن سالها اینها همه از حکومت رانده شده اند و به اپوزیسیون رانده شده اند و هرکدام هر جا پا داده است از همین دنده بلند شده اند. اتحاد و هم سوئی ای بین همه اینها ایجاد شده که قابل توجه است. رضا پهلوی و داریوش همایون از خاتمی حمایت کردند، در مورد جنگ

با عراق خود را کنار جمهوری اسلامی یافتند و در جریان مساله هسته ای اعلام کردند که کنار جمهوری اسلامی خواهند ایستاد، حزب توده و اکثریت به ذلت و کثافت و رذالتی بی انتها تن دادند و بعد از ضرباتی که خوردند اشتباهاتی تاکتیکی را پذیرفتند که منظورشان این بود که در محاسباتشان برای به بازی گرفته شدن اشتباه میکرده اند، و طیف های دیگر مشتق از اینها نیز گرچه جزیره و جسارت ابراز نظرات واقعی شان را نداشته اند و گاهی حتی تصویر سرنگونی طلبی را از خود بروز داده اند. و یک نمونه زنده و تازه هم اینست که همه اینها از طرح زدن سوسپیداها توسط احمدی نژاد حمایت میکنند و آنرا طرحی ملی مینامند. اما این اتحاد نامقدس بوژیایی ایران نشان داده است که تماما در بن بست است. در این سالها تمام آلت رناتیه های اینها به بن بست و شکست رسیده است. از رفانوم تا فدرالیسم تا رژیم چنچ تا اصلاحات و دوم خرداد. اکنون نیز تخم مرغهایشان را در سبد "جنبش سبز" و موسوی گذاشته اند. که فی الحال شکستش را خورده است. با این وجود هم جناح فرخ نگهداری و اکثریتی و هم جناح مشروطه خواهی، دارند درایت موسوی و کربوبی و اینکه سکوت کردند و نگذاشتند اوضاع به سمت انقلاب برود را ستایش میکنند. و در عین حال به جناح خامنه ای ایراد میگیرند که انقلاب را نمی بیند و دارد اوضاع را بر باد میدهد. در این زمینه بسیار بیشتر میتوان سخن گفت. اینجا فقط همین را باید به کل جریانات بوژیایی گفت که با انقلاب ۸۸ دیگر روشن است که از دست خامنه ای هم جز همینکه میکند کاری ساخته نیست. باید به اینها این را تاکید کرد که حکومت اسلامی مثل همه دیکتاتورهای سرکوبگر دیگر راهی حتی برای کوچکترین اصلاحات در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی را هم باقی نگذاشته است که شما بخواهید خود را به آن دلخوش کنید. انقلاب دارد راه خود را باز میکند و ناچار است به پیش رود و به پیش خواهد رفت. بن بست و ناتوانی و عجز جریانات بوژیایی، بن بست کل بوژیایی در ایران است.*

بازتاب هفته

مذاکرات هسته ای، ادامه بازی موش و گربه



بهرروز مهر آبادی

مذاکرات هسته ای بین نمایندگان جمهوری اسلامی و نمایندگان دولتهای گروه ۵+۱ (کشورهای عضو دائم شورای امنیت بعلاوه آلمان) روز جمعه اول بهمن در استانبول برگزار خواهد شد. دور قبلی این مذاکرات بدون رسیدن به نتیجه مشخص در آذر ماه در شهر ژنو برگزار شد. گروه ۵+۱ اعلام کرده است که در صورت عدم پذیرش قطعنامه شورای امنیت تحریم ها را بر علیه ایران افزایش خواهد داد. منطق جمهوری اسلامی در این مذاکرات استفاده از نفوذ خود و حربه بحران آفرینی و افزایش عملیات تروریستی در کشورهای دیگر بویژه عراق، افغانستان و لبنان است تا آمریکا و متحدانش را بتواند وادار به برداشتن تحریم ها از ایران کند از سوی دیگر حکومت ایران به این امیدواری دارد که با خریدن وقت و وجود اختلاف بین دولت های مختلف فشار تحریم ها را بر خود کاهش دهد. بعضی مقامات آمریکایی چین را منتهم به نپدید گرفتن تحریم ها در مورد ایران، کرده اند و روزنامه وال استریت ژورنال خبر داده است که حجم مبادلات تجاری آلمان و ایتالیا با جمهوری اسلامی در سال ۲۰۱۰ نسبت به سال قبل افزایش داشته است. شرکت های تجاری نمی توانند از سود هنگفت معامله با رژیم حاکم بر ایران چشم پيوشند، هر چند که دولتهای اروپایی و آمریکا ظاهرا تلاش می کنند که حلقه تحریم ها را بر ایران تنگ تر کنند.

جمهوری اسلامی از مدتی قبل تبلیغات زیادی در مورد دعوت از نمایندگان دولتهای مختلف برای بازدید از نیروگاههای هسته ای به راه انداخت. از گروه ۵+۱ هم دولتهای چین و روسیه دعوت داشتند و تمام هدف ایران شرکت نماینده یکی از این دو دولت در این بازدید بود که روز ۲۵ و ۲۶ دی ماه انجام شد. نماینده اتحادیه اروپا اعلام کرد که این وظیفه بازرسان بین المللی است که تأسیسات هسته ای

را بررسی کنند نه سفرای کشورهای دیگر. تلاش رژیم در این مورد به جایی نرسید و از این بازدید نمایشی استقبال چندانی نشد. مقامات حکومت اسلامی بارها تکرار کرده اند که مذاکرات استانبول پیرامون پرونده هسته ای ایران نیست بلکه برای "همکاری حول نقاط مشترک" است. واکنش های رژیم نشان داد که گروه ۵+۱ نمی تواند به نتیجه گیری از مذاکرات استانبول امیدی داشته باشد اما ظاهرا راه دیگری بجز ادامه بازی موش و گربه با حکومت اسلامی را ندارد اما هنوز نتوانسته است تصمیم بگیرد که در این بازی نقش موش را داشته باشد یا نقش گربه را. *

سودان پس از همه پرسی برای جدایی ایالات جنوبی

بهرروز مهر آبادی

پس از دهها سال جنگ داخلی در سودان سرانجام رای گیری برای تعیین سرنوشت جنوب سودان هفته قبل به پایان رسید. اعلام نهایی این انتخابات تا اواسط ماه فوریه ممکن است طول بکشد اما نتایج تاکنونی شمارش آرا نشان می دهد که اکثریتی بیش از ۹۰ درصد به تأسیس کشور جدید در جنوب سودان رای موافق داده اند. امکان برگزاری انتخابات و جدا شدن این دو بخش از سودان برچه ای امیدهایی را برای پایان یافتن جنگ و کشتارهای قومی و مذهبی و جهنی که تا کنون در سودان حاکم بوده دامن زده است. اما جای تردید فراوان است که این جدایی بتواند بدون بجا گذاشتن قربانیان بیشتر انجام شود و کشمکش های مذهبی و قبیله ای پایان پذیرد. سودان دهها سال مستعمره انگلیس و مصر بود و پس از اعلام استقلال در ۱۹۵۶ مردم این کشور شاهد چندین کودتا بوده و در بیشتر سالهای این مدت نظامیان بر سرنوشت مردم حاکم بوده و نقش اصلی در غارت و چپاول مردم و سرکوب و کشتار آنها داشته اند. منطقه وسیع دارفور در غرب سودان نیز برای سالها شاهد هجوم گروههای شبه نظامی و قبایل عرب بر علیه ساکنان آفریقائی تبار منطقه بوده است و کشتار و جنایات مستقیم این دستجات با کشتار قحطی و گرسنگی که هزار هزار دارد قربانی میگیرد

همراه شده است. راسیسم و برتری نژادی عرب در مقابل سیاهان ویژگی مهم این مهاجمان است. اسناد نسل کشی و جنایات این گروهها که مورد حمایت آشکار حکومت و ارتش سودان هستند، وسیعا انتشار یافته است. بر اساس آمار رسمی از سال ۲۰۰۳ تاکنون بیش از ۳۰۰ هزار نفر از ساکنین دارفور کشته شده و در حدود ۳ میلیون نفر آواره شده اند.

شمال سودان زیر سلطه فرقه های مذهبی مسلمان و قبایل و ناسیونالیست های عرب و منطقه جنوب زیر نفوذ کلیسای قبطی و قبایل بومی آفریقائی است. منطقه جنوب بخاطر منابع غنی نفت و معادن مختلف از اهمیت زیادی برخوردار است ولی مهمترین امکان دسترسی به دریای آزاد و صدور این منابع در شمال قرار دارد. این منابع موجب شده که سودان محل درگیری و اعمال نفوذ شرکت های بزرگ چند ملیتی و کشورهای آمریکا، اسرائیل، چین و اتحادیه اروپا باشد که هر کدام بخشی از حکومت سودان و یا گروههای شبه نظامی را در کنترل داشته و تاکنون در گسترش و ادامه جنگهای داخلی در سودان نقش مهمی داشته اند. اما بهره وری کامل از منابع نفتی و استثمار حداکثر از کارگر فقیر سودانی در شرایط جنگی و بدون ثبات برایشان چندان امکان پذیر نبوده است.

در سال ۱۹۶۹ جعفر نمیری با حمایت شوروی و با یک کودتای نظامی قدرت را در دست گرفت. در سالهای اولیه او اقداماتی برای آرام ساختن کشور و ایجاد فضای مناسبی برای رشد سرمایه داری نوپای سودان انجام داد. از جمله می توان از اصلاحات ارضی، ملی کردن بانکها و پذیرش خودمختاری مناطق جنوب سودان نام برد که در سال ۱۹۷۱ انجام شد و به درگیری های چندین ساله پایان داد. اما در عین حال نظام وابسته به مناسبات قبیله ای و مذهبی را دست نخورده نگاه داشت. سرمایه داری عقب مانده سودان نتوانست با نسخه های ورشکسته سرمایه داری دولتی شوروی، درمان شود. فقر و فلاکت و به همراه آن نارضایتی مردم گسترش پیدا کرد و جعفر نمیری راه چاره را پیوستن به اردوی اسلام سیاسی دید که دولت در حال زوال شوروی هم مخالفی با آن نداشت. نمیری در سال ۱۹۸۳ شریعت را مبنای قوانین سودان اعلام کرد و خودمختاری ایالات جنوبی را لغو نمود که دلیل مناسبی برای آغاز مجدد

جنگهای داخلی شد. نمیری با کودتای ارتش در سال ۱۹۸۵ سقوط کرد و بعد از چهارسال دست بدست شدن قدرت بین گروههای مختلف در سال ۱۹۸۹ ژنرال عمر حسن احمد البشیر قدرت را بدست گرفت که تاکنون منصب رئیس جمهوری سودان را داشته است. می توان گفت که کشور سودان از زمان استقلال تاکنون زیر سلطه قوانین وحشیانه اسلامی بوده است. ارتش، شیوخ و روسای قبایل تمام تلاششان بر این بوده است که سودان را از جهان متمم قرن بیستم دور نگاه دارند و به شیوه هزار سال پیش اداره کنند.

بر اساس آمار رسمی دو دهه جنگ شمال و جنوب سودان نزدیک به دو میلیون نفر قربانی داشته و میلیونها نفر را بیخانمان کرده است. ادامه این وضعیت برای طرفهای درگیر سودانی از یک سو و سرمایه داری جهانی از سوی دیگر قابل پذیرش نبود. بهره وری کامل از منابع نفتی جنوب سودان و استثمار حداکثر از کارگر فقیر سودانی بدون شرایط باثبات امکان پذیر نیست. در سال ۲۰۰۵ با نظارت سازمان ملل معاهده ای بین گروههای جنوب و شمال انجام گرفت و انجام همه پرسی برای استقلال مناطق جنوب سودان را مورد تأیید قرار داد و فرمانده نیروهای نظامی جنوب سرهنگ جان گارانگ معاون عمر البشیر شد. عمر البشیر که از طرف متحدان اسلامی خودش و ناسیونالیست های عرب تحت فشار بود از برگزاری همه پرسی طفره می رفت اما فشار های آمریکا و سازمان ملل او را ناچار به انجام آن کرد. در اوایل مارچ ۲۰۱۰ دادگاه بین المللی لاهه حکم جلب عمر البشیر را به اتهام جنایات جنگی صادر کرد و در ماه ژوئن همان سال دادگاه حکم جلب دیگری به اتهام نسل کشی برای او صادر کرد. میلیاردها دلار سهم البشیر از چپاول دسترنج مردم سودان که در بانکهای اروپائی انبار شده است (که بخشی از آن در اسناد منتشره ویکی لیکس افشا شد) می تواند در خطر بلوکه شدن باشد. از این جهت عمر البشیر چاره ای بجز انجام این همه پرسی نداشت و برای ساکت کردن متحدان اسلامی خود و شیوخ مرتجع حاکم بر زندگی مردم سودان اعلام کرد که در صورت جدایی جنوب قانون اساسی تغییر پیدا کرده و بطور کامل بر اساس قوانین شریعت خواهد بود و عربی بعنوان زبان رسمی سودان قرار

میگیرد. در حال حاضر عربی و انگلیسی بعنوان زبانهای رسمی شناخته می شوند و بیشتر مردم جنوب سودان از زبان انگلیسی استفاده می کنند.

مقامات آمریکائی بطور ضمنی گفته اند در صورتی که نتیجه همه پرسی توسط حکومت پذیرفته شود، سودان را از لیست کشورهای حامی تروریسم حذف خواهد کرد. و از طرف دیگر سالوا کییر که بعنوان رهبر نیروهای سیاسی جنوب که براساس معاهده ۲۰۰۵ معاون رئیس جمهور و مورد حمایت کلیسای قبطی است، اعلام کرده است که مردم باید مانند عیسی قدرتمندانی که موجب مرگ آنها شدند را عفو کنند. مخاطب واقعی وی در حقیقت عمر البشیر است که بسته شدن پرونده جنایات او در دادگاه بین المللی لاهه، در صورت قبول استقلال جنوب را وعده می دهد. اما خوشبین ترین ناظران هم انتظار ندارند که جدایی و استقلال جنوب سودان به فاجعه بزرگ انسانی که هم اکنون در این سرزمین پهناور در جریان است، پایان دهد. این جدایی در وضعیت میلیونها آواره و مردمی که در دارفور مورد تهاجمات راسیستی هستند، تأثیر زیادی نخواهد داشت. هم اکنون نشانه های جنگ صلیبی بین شمال و جنوب دیده می شود. انفجار کلیسای قبطی در اواخر ماه دسامبر سال قبل در مصر و کشته شدن دهها نفر را می توان از آن جمله دانست. آخوندهای شمال اعلام کرده اند: سپردن ملک اسلام بدست "فاسقان و گناهکاران" را از نظر شرعی حرام می دانند. در جنوب گرچه قبائل بومی آفریقائی و فرقه های وابسته به کلیسا در مقابل حکومت خارطوم با هم متحدند، اما با هم اختلافات عمیقی دارند که ممکن است زندگی مردم این منطقه را دستخوش آسیب های خود کند. تهدیدات عمر البشیر مبنی بر اجرای کامل قوانین اسلامی در شمال (در صورت استقلال جنوب) تهدید بزرگ دیگری برای مردم سودان است. در شرایط حاضر و در غیاب یک نیروی سوسیالیستی که دنیای مدرن و متمم و جامعه سکولار و آزاد و برابر را نمایندگی کند، متأسفانه نمی توان چیزی جز ادامه فقر و فلاکت، خفقان، بی حقوق زنان و سلطه ارتجاع و ادامه خونریزی و توحش در سودان انتظار داشت. *

بازتاب هفته

دادگاه حریری، جمهوری اسلامی و حزب الله لبنان!



محمد شکوهی

روز دوشنبه ۲۷ دی دادگاه بین المللی لاهه، متن کیفرخواست از سوی قاضی دانیل بلمار، دادستان ویژه سازمان ملل در مورد آغاز محاکمه عاملان ترور رفیق حریری نخست وزیر سابق لبنان را اعلام کرده و تاکید کردند که جزئیات این پرونده و عاملان آن، به دلیل واکنش های طرف های درگیر در این محاکمه، اثرات و عواقب آن بر بحران جاری در لبنان، فعلاً "مخفی" می ماند. از قرار این کیفرخواست به دادگاه و دادگستری لبنان نیز اعلام شده است. با اعلام خبر برگزاری دادگاه متهمان به ترور رفیق حریری نخست وزیر لبنان، پرونده این ترور و ماجراهای پشت پرده آن وارد مرحله تازه ای شده است. لازم به توضیح است که رفیق حریری، نخست وزیر سابق لبنان در ۱۴ فوریه ۲۰۰۵ به همراه ۲۲ نفر دیگر در انفجاری در بیروت به قتل رسید. مقامات دولت وقت لبنان و بخشا آمریکا نیروهای وابسته به جریان تروریستی حزب الله را مسئول این ترور دانسته و خواستار معرفی عاملان این ترور از طرف حزب الله برای محاکمه شده اند. در این میان حزب الله تا به امروز هرگونه دخالت در این ترور را رد کرده است.

بر اساس اسناد منتشر شده سازمانهای اطلاعاتی اسرائیل، آمریکا و اعتراضات چند نفر از عوامل وابسته به حزب الله و سپاه پاسداران در رسانه های خبری، نیروهای حزب الله لبنان در این ماجرا دست داشته اند. نصرالله رهبر حزب الله که به خاطر این موضوع تحت فشار بوده در ماههای گذشته با خامنه ای مذاکراتی داشته و خامنه ای هم توصیه کرده که حزب الله نباید زیر بار این "اتهام" برود! از روز به جریان افتادن پرونده دادگاه حریری خامنه ای و حزب الله يك حرف را زده اند و آن انکار دست داشتن نیروهای تروریست اسلامی وابسته به جمهوری اسلامی در این ترور بوده و جمهوری اسلامی تلاش های وسیعی را در همکاری با سوریه و سایر باندهای وابسته به

جمهوری اسلامی برای اعمال فشار به پروسه دادگاه حریری و بخشا مختمومه اعلام کردن این پرونده در دستور گذاشته و با استفاده از جریان تروریست حزب الله در صدد اعمال نفوذ در دولت لبنان و بازیهای سیاسی در این کشور بوده و در واقع تلاش دارد حزب الله و جمهوری اسلامی را سالم از اتهام ترور بیرون ببرد.

خامنه ای اعلام کرده است که این دادگاه در صدد ضربه زدن به "مقاومت اسلامی" در منطقه می باشد و هدف آن حزب الله می باشد. مدتی پیش خامنه ای و سران بلند پایه رژیم نیز برگزاری دادگاه محاکمه عاملان حریری را مردود دانسته و آن را محاکمه "جریان حزب الله" دانستند. در تحولی دیگر فشارهای جمهوری اسلامی و حزب الله بر دولت لبنان افزایش یافته است. هفته گذشته نصرالله رهبر حزب الله لبنان در واکنش به جریان افتادن پرونده دادگاه حریری و اتهاماتی که متوجه حزب الله و سران جمهوری اسلامی می باشد، ۱۱ وزیرش را از دولت ائتلافی سعد حریری خارج کرد که این امر باعث سقوط دولت وی و بحرانی تر شدن وضعیت دولت لبنان گردید.

با به جریان افتادن پرونده دادگاه حریری، بخش هایی از زد و بندهای رژیم با جریانات تروریست و بویژه حزب الله و همکاری منابع اطلاعاتی سپاه و سازمان اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی و بخشا سوریه در کمک به حزب الله برای عملی کردن این ترور جلوی صحنه آمده و حتی خامنه ای و برخی مقامات رژیم نیز که در این ماجراها دست داشته اند، پایشان به این محاکمات رسیده است. و هیچ بعید نیست احکامی هم در این مورد و نقش جمهوری اسلامی و سوریه در این ترورها، از طرف دادگاه صادر گردد. و همین هاست که حزب الله لبنان را به کنار کشیدن از کابینه لبنان و بحران آفرینی کشانده است. صرف نظر از اینکه دادگاه کی و چگونه برگزار شود و چه کسانی به عنوان متهم به دادگاه کشانده شوند و چه احکامی صادر گردد، يك نکته مسلم است و آن دست داشتن خامنه ای، سپاه پاسداران و جریانات تروریست اسلامی نظیر حزب الله و جنبش عمل اسلامی، به همراه عوامل سوریه در تلبانی با جمهوری اسلامی محرز بوده و

محاکمه عوامل این ترور، محاکمه تلاش ها و تفرقه های تروریستی جمهوری اسلامی و حزب الله در لبنان نیز خواهد بود.

در این میان مواضع دولت اسرائیل که خواهان اعمال فشار بیشتر دولت لبنان به حزب الله و خلع سلاح این جریان می باشد، در گیر و دار این محاکمه مورد حمایت غزب و بویژه آمریکا قرار گرفته و به نظر می رسد آمریکا و غزب به توافقاتی در باره به سرانجام رساندن این دادگاه رسیده اند. لبنان که سنتا در سه دهه گذشته محل جنگ ها و رقابتهای جمهوری اسلامی و سوریه و باندهای تروریست مورد حمایتش از يك طرف و جنگ و تفرقه های دولت اسرائیل برای اعمال کنترل بیشتر بر لبنان بوده است، وارد مرحله دیگری می شود. کشمکش غرب و اسرائیل و تفرقه های جمهوری اسلامی در خاورمیانه و از جمله یکی از کانون های بحرانی این منطقه، یعنی لبنان، تلاشی برای گسترش و تثبیت ادعا های طرفین بر سر حرف اول زدن در لبنان می باشد. جمهوری اسلامی حزب الله را دارد غرب اسرائیل را، اینها بر سر همزبونی بر لبنان و گسترش نفوذ شان است که در این منطقه دست به رقابت زده و می زنند.

دادگاه محاکمه عوامل ترور رفیق حریری و اتهاماتی که متوجه حزب الله شده، مستقیماً جمهوری اسلامی و خامنه ای و ارگانها و عوامل اطلاعاتی و امنیتی فعال رژیم در لبنان را نیز در بر می گیرد. تفرقه های جمهوری اسلامی، سوریه برای خارج کردن حزب الله از این اتهام تا به امروز موفق نبوده است. همزمان آمریکا و اروپا بر سرعت بخشیدن به این پروسه فشارهایی را به جمهوری اسلامی، سوریه و حزب الله و دولت لبنان آغاز کرده اند. پرونده حریری تبدیل به يك بحران سیاسی دیگری برای جمهوری اسلامی و حزب الله و سوریه و دولت لبنان و دار و دسته های تروریست حامی این دولتها در منطقه شده است. با به جریان افتادن پرونده دادگاه حریری تروریستهای اسلامی و در راس همه آنها جمهوری اسلامی و حزب الله بشدت زیر فشار می باشند. هرچند انتظار زیادی از این دادگان نباید داشت. ولی این دادگاه زیر نظر سازمان ملل و دادگاه لاهه جریان دارد که حمایت آمریکا و کشورهای اروپایی را به همراه دارد. هدف اصلی این پروسه مهار حزب الله و جریانات

تروریست وابسته به جمهوری اسلامی و از این طریق فشار برای جلوگیری از تبدیل لبنان به حیات خلوت تروریسم اسلامی بویژه جمهوری اسلامی و حزب الله خواهد بود که دست و پای جمهوری اسلامی و حزب الله را در سازماندهی و گسترش تروریسم لاقبل در لبنان محدودتر نمایند. محاکمه عاملان ترور رفیق حریری بخشا محاکمه جمهوری اسلامی و خامنه ای نیز می باشد.*

انقلاب زنده است، اینبار در تونس

یاشار سهندی

" اسم این میدان ۷ نوامبر است روز به قدرت رسیدن بن علی، باید تغییر کند و بشود ۱۴ ژانویه، روز انقلاب" این اظهارات يك شهروند تونس در مقابل دوربین یورو نیوز است. در پی خود سوزی "جوان سبزی فروش" در یکی از شهرهای تونس آتش انقلابی شعله کشید که در اولین قدمش دیکتاتور این کشور زین العابدین بن علی را بعد از ۲۳ سال حکومت فراری داد. بن علی سعی کرد با تغییر کابینه و منحل کردن پارلمان و وعده انتخابات برای دو سال دیگر و اینکه دیگر نامزد انتخابات نخواهد بود شاید بتواند جلو شعله ور شدن این انقلاب را بگیرد اما نتوانست. این انقلاب چنان توفند بود که حامی اصلی اش یعنی دولت فرانسه از ترس عواقب حمایت از این دیکتاتور او را به فرانسه راه نداد. چند سال پیش ژاک شیراک رئیس جمهور سابق فرانسه به نظام اقتصادی سرمایه داری تونس "لقب" معجزه اقتصادی داده بود. " بهمین دلیل بن علی یکی از دیکتاتورهای مورد علاقه دول غربی بود و بهمان نسبت در هیچ رسانه ای کمتر انتقادی از تونس و دیکتاتوری بن علی مشاهده میشد. اما وقایع يك ماهه گذشته بی مقدمه نبود و خودسوزی جوان لیسانسیه سبزی فروش يك جرقه بود در انبار باروت. انباری که تلنبار از خشم و نفرت مردم از دیکتاتوری ۲۳ ساله بن علی بود.

انقلاب در تونس تاکید مجددی بود که بر خلاف تبلیغات وازدگان سیاسی "دوران انقلابات" به سر نرسیده است و این تنها راه تسویه حساب توده مردم با دیکتاتورها میباشد. هر چند که به مذاق بورژوازی خوش نیاید. چنان ترسی در میان دول منطقه بلکه دولتهای سرمایه داری جهان افتاده است که شب و روزشان را گم کردند.

ظاهراً قرار نبود بعد از "پایان تاریخ" و تبلیغات شبانه روزی که "انقلاب یعنی هرج و مرج" میبشاد توده مردم در جایی (حالا هر جا) دست به این کار بزنند. قذافی دیکتاتور لیبی (يك نمونه مجسم از فاسدترین دول بورژوازی) خطاب به مردم تونس بعد از سقوط بن علی گفته است: "هم اکنون شما در ناامنی و ترس زندگی میکنید و نباید این اشتباه را مرتکب می شدید. شما اشتباهی کردید که قابل بازگشت نیست." این تصویر ترس و ناامنی دادن از انقلاب تونس تنها مختص قذافی نبود. تا آنجا که من شاهد بوده ام شبکه خبری ماهواره ای مانند یورو نیوز هم در ارائه این تصویر کوشش فراوانی میکرد که جو بعد از سقوط بن علی را جوی خوفناک و سرشار از ناامنی و وحشت و غارت همه کس و همه چیز نشان دهد. اما بی بی سی فارسی تلاش ستودنی (از دیدگاه بورژوازی) داشته تا به ما مردم ایران حقه نکند: "ببینید انقلاب کردند و همه جا غارت شد و ناامنی شد. بهتر نبود فرصت میدادند به بن علی بعد یواش یواش اوضاع اصلاح میشد. ترس قذافی از خودش است که نگران است و بعید نمیداند که بلایی مانند بن علی سرش آید و ترس بی بی سی از چیست؟

از لحظه انتشار خبر سقوط بن علی تمام همت بی بی سی در قبالت وقایع تونس بر این قرار گرفته است که نشان دهد آنجا که مردم به خیابان آمدند و دست به انقلاب زدند منجر به ناامنی و ترس شده است. فضای حاکم بر شهر را فضای خاکستر نشان میدهد که هیچ امید روشنی درافق تصویر دیده نمیشود و با تاکید بر اینکه از شهر خبرهای بدی میرسد که غارتگران در خیابانها حاکم هستند ترس از انقلاب را میخواهد به بینندگان خود القا کند. اما اوج فعالیت بی بی سی برای تبلیغات مسموم در باره انقلاب و مردمی که خود سعی میکنند سرنوشت شان را بدست گیرند درهفته گذشته، در برنامه "توبت شما" به نمایش درآمد. ایشان ظاهراً در مقام بیطرف که به خیر و شر هیچی کار ندارد مانند رسانه ای که در آن کسب درآمد میکند مطرح میکند: "مردم تونس ۲۳ سال صبر کردند، (لاید ته دلش میگفت به جهنم و درک!) دو سال دیگر هم صبر میکردند تا انتخابات برگزار شود و اصلاحات شروع شود.

برگزاری مراسم علیه اعدام در سلیمانیه

متوقف شود، نه به حکومت اعدام و ... اعتراض و ناراضی خود نشان دادند در ادامه این مراسم قطعنامه مشترک کمپین علیه اعدام و پیام تعدادی از سازمانهای و جریانات، شخصیتها و روزنامه نویسان فعال علیه اعدام و همچنین پخش پیام فراخوان مشترک جریانات اپوزیسیون ایرانی و کمیته بین المللی علیه اعدام در شهر سلیمانیه، برگزار کننده گان مراسم جهانی ۲۹ ژانویه روز دفاع از زندانیان سیاسی و علیه اعدامهای رژیم اسلامی خوانده شد. مراسم با سوزاندن طناب اعدام پایان یافت

بنا به خبری که به کمیته کردستان حزب رسیده است امروز ۲۰ ژانویه ساعت ۲ بعدازظهر در باغ گشتی "تا" مقابل ده رکی سرا" در شهر سلیمانیه وبه مدت یک ساعت راهپیمایی عمومی از سوی ایرانیان ساکن در سلیمانیه و به همراه مردم شهر سلیمانیه برگزار شد در این راه پیمایی که بیش از ۶۰۰ نفر در آن شرکت داشتند، مردم با سر دادن شعار و در دست داشتن پلاکاردهای علیه حکومت اسلامی و علیه اعدام (نه به اعدام، اعدام قتل عمد دولتی است، احکام اعدام باید

های کارگران در اعتراضات کارگری یک رکن مهم و موثر جلب حمایت کل جامعه از این مبارزات است. کارگران با برپایی تجمعات اعتراضی خود نشان میدهند که تحت هیچ شرایطی و با هیچ بهانه ای تحمیل فقر و فلاکت به خود و خانواده هایشان را نمی پذیرند. ما همه کارگران را به تلاش برای برپایی جنبش سراسری افزایش دستمزدها و برای مقابله با بالا کشیدن دستمزدها و تعرضات هرروزه دولت و کارفرمایان به حقوق پایه ای کارگران فرا میخوانیم. با تشکیل مجامع عمومی کارگری، با تماس با دیگر مراکز کارگری و به هم گره زدن اعتراضات خود بطور سراسری، و اعتصابات اختطاری مان و نیز با تلاش برای جلب حمایت وسیع مردم، تعرضات این جانیان را عقب بزنیم.

مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۸ دی ۱۳۸۹، ۱۸ ژانویه ۲۰۱۱



تجمع اعتراضی کارگران شرکت تبریز ساختمان

یازده ماه دستمزد کارگران پرداخت نشده ست!

به گزارش ایلنا، صد نفر از کارگران معترض شرکت تبریز ساختمان در اعتراض به عدم دریافت یازده ماه دستمزد و پرداخت نشدن سه سال عیدی و حق سنواتشان، در مقابل استانداری گیلان تجمع برپا کردند! کارگران شرکت تبریز ساختمان، مجری پروژه قطعه پنج راه آهن قزوین - رشت هستند که از سال ۱۳۸۶ به استخدام این شرکت در آمده اند.

کارگران معترض میگویند شرکت با فریبکاری و کلاه برداری علنی، با ما تسویه حساب میکند و با کشیدن چک بی محل زندگی ما و خانواده ما را به بازی گرفته است. چک های بانکی صادر شده از طرف شرکت برگشت می خورد و ما بین بانک و شرکت سرگردان هستیم! این درحالی است که صاحبان شرکت در هنگام اجرای شروع پروژه،

مبلغی حدود هفده میلیارد تومان از دولت بوجه گرفته اند، اما کارگران یازده ماه است بدون دستمزد مانده اند! تعداد زیادی از کارگران این شرکت از دیگر استانها به گیلان آمده اند و در سخت ترین شرایط کاری، بدون امکانات اولیه زندگی و حتی خوراک و مسکن مناسب مشغول به کار در شرکت تبریز ساختمان هستند.

نپرداختن دستمزد کارگران و گرسنه نگهداشتن خانواده های آنان یک جرم آشکار است، تحمیل چنین شرایط برده واری به کارگران و خانواده های آنان نباید بی پاسخ بماند!

حزب کمونیست کارگری ایران، ضمن پشتیبانی از اعتراض کارگران شرکت تبریز ساختمان، از همه خانواده های آنان می خواهد در تجمعات اعتراضی شرکت کنند! حضور خانواده

از صفحه ۲

انقلاب در تونس و ...

بالا، درجانی از اصلاحات اقتصادی و سیاسی البته موقت به فرجام برسانند. صنعت آلترناتیو سازی دول غرب همراه با بورژوازی تونس در فکر این هستند که با ترکیبی از شخصیتهای نظام سابق و اپوزیسیون ناسیونالیست اصلاح طلب انقلاب را خاموش و نظام را حفظ

اما یک چیز روشن است. انقلاب تونس، آغازی برای پایان دورانی است که اقلیت سرمایه دار حاکم در منطقه بتواند بر دوش کار ارزان و کارگر خاموش ادای "ببر اقتصادی" در "بهشت ثبات" در بیاورد. دوران جدیدی شروع شده است. دوران جدیدی نه فقط برای تونس بلکه برای کل منطقه. ۲۰ ژانویه ۲۰۱۱*

انقلاب زنده است ...

بهرتر نبود ولو با خشونت، بن علی جلو تظاهر کنندگان می ایستاد تا کار به اینجا نکشد بعد کم خودش را و دولتتش را اصلاح میکرد؟ در مقابل مردم تونس اکنون آینده ای مبهم و سرشار از ترس و ناامیدی حاکم است. آیا مردم تا دیدند حکومت کوتاه آمده باید ادامه دهند تا سرنگون شود؟ و الان از تونس خبر میرسد که همه جا غارتگری راه افتاده است... (نقل به معنی) اینها را ظاهرا از بینندگانش میپرسید تا نظر شان را بگویند و ایشان شنونده باشند اما همین که احساس میکرد که بیننده صحبتش بوی موافقت با انقلاب میدهد به میان حرفش میدوید و سعی میکرد تئوری انقلاب یعنی خشونت را پیش بکشد. به نظر من این تلاش بی بی سی بسیار آموزنده است برای نسل جوان ما. بارها تاکید شده است که بی بی سی نقش مخربی در انقلاب ۵۷ داشت و یکی از عوامل اصلی اینکه خمینی

از صفحه ۵

را "رهبر" آن انقلاب کردند همین رسانه بی طرف (!) بود. تلاش بی بی سی فارسی نشان از نگرانی بورژوازی در ایران دارد. بورژوازی میداند که انقلابی در ایران در جریان است این انقلاب اکنون نمی تواند خودش را به شکل تظاهرات خیابانی نشان دهد اما در زیر پوست جامعه در تلاطم است. وقایع تونس به ما مردم ایران نیز ثابت کرد تنها راهی که مردم میتوانند اعمال اراده واقعی داشته باشند انقلاب است. و تمام تلاش بی بی سی بر این است که جلو این اراده را بگیرد. بی بی سی بسیار کوشش میکند نشان دهد در تونس انقلاب شد و دیکتاتور رفت و خشونت و هرج و مرج حاکم شده است. اما حقیقت این است که انقلاب تازه شروع گردیده است. سقوط بن علی قدم اول است از این پس جنگ میان انقلاب و ضد انقلاب بشدت بالا میگیرد. ضد انقلاب بورژوازی بسیار تلاش میکند که "انقلاب بدون عوارض" باشد و

از هم پیاشانند.*

کمک مالی به تلویزیون کانال جدید

آقای حمیدی ۴۰۰ دلار مینو مدنی ۵۰ پوند
نیما آزاده ۴۰۰ دلار سعید صالحی نیا ۴۰۰ دلار
کمک مالی آذر ماه حوزه انترناسیونال ۶۸۰۰۰۰ تومان

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:

<http://www.countmein-iran.com>

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتونید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

کانادا:

Scotiabank Canada, ICRC
Dixie Rd 4900

Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1
Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America
277 G Street, Blaine, Wa 98230
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush
Account number : 99 - 41581083
wire: ABA routing # 026009593
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیسی ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23, account holder: WPI
, Bank: NatWest branch: Wood Green
81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345
NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتونید با شماره های زیر تماس بگیرید:
از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱
کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶
از ایران: عبیل گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

خلیل کیوان، دبیر کمیته خارج ۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹

تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده ۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸
آدرس پستی:

I.K.K, Box: 2110, 127 02 Skärholmen - Sweden

بسمت درهم شکستن کامل ماشین دولتی گام بردارد.

یک استدلال ظاهرا "معقول" و "محکم" هواداران حفظ نظم موجود در مقابل این تمایل عینی و ضروری انقلاب این است که نباید "هرج و مرج" بوجود بیاید، نباید "خشونت" کرد و غیره. از نظر آنها انقلاب و اعمال قدرت مستقیم مردم چیزی جز "هرج و مرج" و "خشونت" نیست. این دقیقا حرف همه دیکتاتورها و آدم کش های حاکم در سراسر جهان و توجیه کنندگان و آرایشگران وضع موجود، از پرفسورها و مفسران رنگارنگ گرفته، تا قدره بندهای پلیس مخفی و ژنرال های ارتش در ایران تا تونس تا آمریکا و غیره است. این همان شاه بیت تبلیغات و توجیهات "کنجی" ها و "سازگارا"ها و "سبز" های اصلاح طلبان و "سبز" های وطنی است که کوشیدند و هنوز هم میکوشند تا مگر بتوانند تحت نام "دمکراسی" و "تحولات آرام" و نظیر آن جمهوری اسلامی و یا گوشه هایی از آن را حفظ کنند. اگر یک درس از انقلاب مردم ایران در سال ۸۸ باید گرفت این است که مردم قیام خود در شش دی ماه ۸۸ (عاشورا) در تهران را تا به آخر پیش نبردند و دستگاه سرکوب حکومت اسلامی را ساقط نکردند تا راه پیشروی انقلاب و اعمال مستقیم قدرت خود را بگشایند.

منشاء خشونت همچنانکه هر روز داریم می بینم کل سیستم و مناسبات نابرابر کنونی و بطور بلافصل همین ماشین پلیسی - نظامی - اداری است که برای حفظ نظم موجود علیه ما ساخته اند. برای پایان دادن به خشونت در جامعه ابتدا باید همین دستگاه را درهم شکست و آنرا با حاکمیت خود مردم، با کارگران و توده وسیع شهروندان که خود بعنوان دولت و قدرت حاکمه متشکل شده اند جایگزین کرد. این کاری است که انقلاب باید بکند. این کاری است که انقلاب بطور طبیعی میخواهد بکند و آگاهانه و متشکل باید به آن سمت هدایتش کرد. هیچ نظمی انسانی تر و متعالی تر و کارا تر از اعمال قدرت توده های عظیم کارگران و مردم متشکل و به میدان آمده نیست که از طریق ارگانهای حاکمیت مستقیم خود میکوشند زندگی را چنان سازمان دهند که "تعالی" هر فرد شرط تعالی همگان باشد.

۱۹ ژانویه ۲۰۱۱



هدف بلافصل انقلاب در تونس!

مصطفی صابر

یکی از احزاب اپوزیسیون در تونس در رابطه با پیروزی مردم در فراری دادن "زین العابدین بن علی" نوشت: پیروزی بدست آمده تنها نیمی از هدف را تحقق بخشیده، اما نیمه دیگر در تحقق تغییرات دموکراتیک و ترجمان آن در عرصه واقعیت است. لازم نیست که کل اطلاعاتی حزب مذکور را نقل کنیم، همین یک جمله دانسته یا ندانسته نسخه کامل شکست انقلاب تونس است!

حتی اگر فرض کنیم که "هدف" انقلاب در تونس "تحقق تغییرات دموکراتیک و ترجمان آن در عرصه واقعیت است"، بازهم تلقی فرار "بن علی" بعنوان "نیمی از هدف" گمراه کردن مردم است. چه رسد به اینکه آن "هدف" کذابی خود نیز نهایتا جز فرستادن مردم بدنبال نخود سیاه "دمکراسی" و وقت خریدن برای طبقه حاکمه جهت سرکوب انقلاب چیز دیگری نیست. این در واقع نه فقط "هدف" هیچ انقلاب واقعی در عصر ما نمی تواند باشد که استراتژی شناخته شده و امتحان پس داده "انقلابات رنگی" دوره ما بمنظور مهار و به شکست کشاندن انقلاب ها و جنبش های آزادیخواهانه مردم بوده است. تحقق آزادی واقعی و همه جانبه در جامعه کنونی تنها و تنها میتواند ثمره حاکمیت مستقیم و بلافصل کارگران و توده های وسیع مردم باشد. یعنی کسانی که به آزادی مثل نان و مثل اکسیژن هوا و مثل گرمای بدن انسان نیاز دارند. در واقع تنها کسی که آگاهانه یا نا آگاهانه هدفش را "تغییرات دموکراتیک" و عملا "انقلاب رنگی" قرار داده است میتواند تصور کند که فرار "بن علی" عبارت از "نیمی از هدف" است!

چنانکه از اخبار و ویدئو ها و حرفها و حرکات مردم در خیابان برمی آید خوشبختانه بنظر نمی رسد که مردم انقلابی در تونس دچار چنین توهمات باشد. برعکس بنظر میرسد که روند اوضاع به سمت عمیق تر شدن و قدرتمند تر شدن انقلاب و اعمال قدرت مردم است. مردم برای تحقق خواست هایی نظیر آزادی زندانیان سیاسی، برکناری و محاکمه همه دست اندرکاران حکومت سابق و قاتلان مردم،

نامه حمید تقوایی ...

قوانین و حتی شخصیت های حاکم مردم را بخانه بفرستند و اوضاع را تحت کنترل خود درآورند. در تونس هم عینا همین تلاشها شروع شده است، شما با اعتراضات قدرتمند و هوشمندانه تان دیکتاتور را فراری داده اید. اما دیکتاتوری همچنان پا برجاست. و طبقه حاکمه و ارتجاع محلی و جهانی، مشخصا حزب حاکم و سران رژیم بن علی، دولتهای غربی و دولتهای عربی در منطقه تلاش میکنند تا رژیم دیکتاتوری موجود را با کمترین تغییرات ممکن حفظ کنند. نه تنها قوانین و ارگانها و نهادهای حکومتی پابرجاست بلکه حتی مقامات رژیم، نخست وزیر و رئیس جمهوری موقت و وزرا و کلا همه همچنان زمام امور را در دست دارند. این وضعیت باید فوراً تغییر کند. یک هدف و خواست فوری انقلاب دستگیری و محاکمه همه مقامات رژیم، انحلال حزب سرکوبگر حاکم و محاکمه سران آن، و انحلال همه ارگانهای پلیسی امنیتی است که در

از صفحه ۱

بیش از دو دهه سرکوب و کشتار مردم تونس دست داشته اند. همچنین باید پرونده دزدیها و غارتگری بن علی و خانواده اش و دیگر مسئولان حکومتی باز و بررسی شود و اموال غارت شده مردم به جامعه بازگردانده شود.

محاکمه علنی سران و مقامات حکومت و مصادره اموالی که دزدیده اند و همچنین انحلال نهادهای پلیسی و امنیتی اولین و فوری ترین شرط پیشروی و پیروزی انقلاب است. اما این بهیچوجه تنها شرط نیست. مردم تونس بدون آزادی همه زندانیان سیاسی و بدون ممنوعیت شکنجه جسمی و روحی زندانیان و بدون لغو مجازات اعدام و ممنوعیت کامل تعقیب و دستگیری افراد و نشریات و احزاب و سازمانها بدلیل سیاسی و عقیدتی، آزاد نخواهند شد. تضمین آزادیهای بیقید و شرط سیاسی و مدنی، آزادی عقیده و بیان و مطبوعات، آزادی تحزب و تشکل و

آزادی اعتراض و اعتصاب، اولین شرط رهائی جامعه است. اینها خواستههای پایه ای و غیر قابل تخفیفی است که باید با سرنگونی نظام دیکتاتوری فوراً به قانون تبدیل شده و اجرا گردد.

در سطح اقتصادی مردم باید از دستمزدها و حقوق مکفی و شرایط رفاهی متناسب با آخرین استانداردهای ممکن در قرن بیست و یکم، و از جمله بیمه بیکاری مکفی برای همه افراد آماده بکار و بیمه های بهداشتی و اجتماعی برخوردار باشند. ثروتهای میلیاردری غارت شده بوسیله مقامات و بودجه هنگفتی که صرف زندانها و نهادهای ارگانهای سرکوب مردم میشود باید تماماً مصادره شده و در خدمت تامین رفاه جامعه قرار بگیرد. اینها حداقل اهداف و خواستههای فوری توده مردم است که باید بر پرچم انقلاب نوشته بشود و بر مبنای آن هر نیروی و حزب و شخصیت سیاسی مدعی طرفداری از مردم در حکومت و در اپوزیسیون مورد ارزیابی قرار بگیرد.

از نظر سازمانی و تشکل یابی

باید بر اهمیت تشکیل ارگانهای اعمال اراده مردم نظیر شوراها تاکید کنیم. این نهادها معمولاً در دل انقلابات شکل میگیرند و در انقلاب جاری تونس هم شکل گیری عملی این نهادها در برخی محلات را شاهد هستیم. این نهادها باید بسط پیدا کنند و در همه محلات تشکیل بشوند و کنترل امور را خود در دست بگیرند. دفاع فعال از این نهادها و تقویت آنها وظیفه هر نیرو و حزب سیاسی مدعی طرفداری از مردم و یک شاخص دیگر تمیز دادن دوستان از دشمنان مردم است.

آخرین نکته ای که بخصوص با توجه به تجربه انقلاب ایران باید بر آن تاکید شود خواست جدائی کامل مذهب از دولت و قوانین و آموزش و پرورش است. در شرایط تونس پافشاری بر این معیار بخصوص در رابطه با نیروهای اپوزیسیون تعیین کننده است. طبعاً احزاب و نیروهای اسلامی، که جزئی از نیروهای اپوزیسیون در تونس هستند، مانند همه نیروهای سیاسی دیگر آزادند که فعالیت کنند ولی مذهب باید تماماً از دولت و نهادها و قوانین حکومتی جدا

باشد. احزاب و نیروها و شخصیتهای سیاسی که به سکولاریسم و جدائی کامل مذهب از دولت و قوانین و از سیستم قضائی و نظام آموزشی متعهد نباشند به کمپ مردم تعلق ندارند و عملاً در خدمت ارتجاع و در برابر مبارزات آزادیخواهانه مردم قرار میگیرند. مردم تونس باید در قبال نیروهای اسلامی کاملاً هشیار باشند و اجازه ندهند تجربه انقلاب ۱۹۷۹ ایران در تونس تکرار بشود.

انقلاب تونس در همین اولین گامها نشان داده است حرکتی آزادیخواه، مدرن، سکولار، انسانی و برابری طلب است. این گرایش و جهت گیری عمومی باید به شکل یک پلاتفرم و بیانیه مشخص سیاسی متعین بشود و با صدای بلند خود را اعلام کند و سازمان بدهد و اعلام خواستها و اهداف فوری فوق اولین گام در این جهت است. یکبار دیگر به شما مردم مبارز و انقلابی تونس درود میفرستم و برایتان آرزوی پیروزی میکنم.

حمید تقوایی دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران
۲۰ ژانویه ۲۰۱۱

کشاکشای پشت پرده ترور ...

از صفحه ۱
هادی وقفی



قهرمان و مربی مسابقات "کینک بوکسینگ" است که بر اساس اخباری که در گفتگو با اطرافیان بدست آمده، زمانی مسئولان وزارت اطلاعات از او خواسته اند که ضمن همکاری در سرکوب و کشتار معترضان، دانسته های رزمی خود را به تیم های سپاه و بسیج آموزش دهد. جمالی فاش ظاهراً با آنها به توافق نمی رسد و به گفته همسرش این شروع درگیریهای او با نیروهای اطلاعاتی رژیم می شود. جمالی فاش فراری شده و برای اخذ ویزای آمریکا خود را به سفارت این کشور در باکو معرفی می کند اما پذیرفته نمی شود. برخی کسانی که در جریان پرونده جمالی فاش قرار دارند، معتقدند اطلاعاتی که در اسناد ویکی لیکس آمده و در آنها مسئولان سفارت آمریکا در باکو به نقل از یک منبع مطلع گزارش داده اند که وزارت اطلاعات ایران شدیداً مریبان ورزشهای رزمی را جهت همکاری با خود تحت فشار قرار داده، به نقل از مجید جمالی فاش بوده است. جمالی فاش سپس به ترکیه می رود و -

جمالی فاش را قربانی نماید.

هر کلام این اخبار و اطلاعات، می تواند واقعیت زندگی جمالی فاش باشد و متأسفانه باید گفت در لجزاری که حکومت اسلامی پدید آورده، تشخیص حقیقت بسیاری از اخبار اساساً محتاج گذشت زمان و رو شدن هر چه بیشتر حقایق است اما، یک نکته مسلم است و آن اینکه جمهوری اسلامی نمایش های تلویزیونی اش را سی سال است که بدنبال هر موج اعتراضی جامعه، سازمان می دهد و کارگردانی می کند. پرونده سازی با هدف مشخص اینکه بالاخره ترس و ناامنی به دل جامعه بیاندازند و بدنبال آن کشتن آدم هایی که قرار است - حال به هر دلیلی - بهانه بدست این جانیان و مفتخوران بدهند، سی سال است که بخشی از دستورالعمل دم و دستگاه آدمکشی رژیم اسلامی است. اعترافات مجید جمالی فاش همچون تمام موارد قبلی این دست اعترافات، سرشار است از تناقضات و سرهم بندی کردن هایی با هدف تکمیل سناریوهای امنیتی ماشین ارباب و آدمکشی رژیم اسلامی. همچنانکه وزیر اطلاعات رژیم هم خبر دستگیری جمالی فاش را در پی موفقیت بزرگی ارزیابی می کند که طی آن سربازان گمنام امام

زمان موفق شده اند با نفوذ در میان سرویس های اطلاعاتی و امنیتی اسرائیل، شبکه گسترده ای از جاسوسان را به دام بیندازند! و در کنار تمام اهداف کثیفشان، آشکارا واضح است که دارند باز هم برای روزهای اعدام و کشتارهای ناگهانی و بی سر و صدای خودشان تحت عناوین جاسوس، مفسد فی الارض، عامل بیگانه و غیره زمینه سازی می کنند. اینها همان اسامی و اتهامات آشنایی هستند که این حکومت بیشتر از سی سال است به مخالفان و معترضان می چسباند تا اهداف کثیف و آدمکشی ها و جنایاتش را با هدف ترساندن مردم پیش ببرد. مسعود علیمحمدی، حتی فارغ از آنکه ترور او واقعا کار مجید جمالی فاش و موساد بوده باشد یا خیر، نخستین فرد از کسانی نیست که بپروژه پس از وقایع خیابانی سال گذشته - و اساساً در طول سی سال گذشته - سر به نیست شده اند. بیشتر هم چندین استاد دانشگاه در ترورها و عملیات مرموزی کشته شدند که در تمام آنها دروغگویی ها و تکاپوهای رژیم برای ماستمالی کردن قضایا، حتی به موضوع بحث رسانه های رسمی خود حکومت تبدیل شد.

باید گفت جمهوری اسلامی با سازمان دادن این اعترافات، این

جنایت ها و آدمکشی ها و اعدام های گسترده، فقط دارد برای خودش زمان می خرد و در عین حال، هر چه بیشتر خودش را افشا می کند. این حکومت، رژیم پا در هوایی است که نه در داخل توان حکومت کردن و راضی کردن مردم را دارد و نه در خارج آبرو و حیثیتی برای چانه زنی و امتیازگیری. مدتهاست که دیگر رسانه ها و بسیاری شخصیت های فرهنگی و سیاسی جهان هم دارند اعلام می کنند که این نمایش های تلویزیونی فقط جنایتکارانه بودن و مسخره بودن سیستم قضایی ایران را نشان می دهد و مهم تر از تمام اینها، ترس و زبونی حاکمان این رژیم را از انقلابی که سر تا پای نظام اسلامی عزیزشان را هدف گرفته را عریان تر میسازد. پرونده مجید جمالی فاش، چه قربانی سیستم امنیتی و آدمکشی رژیم شده باشد و چه در قامت یک نیروی سرکوبگر و سپاهی، قربانی تسویه حساب ها و قرار و مدارهای نیروهای اطلاعات و سپاه و بسیج، این را تاکید میکنند که جمهوری اسلامی با تمام این بساطش باید گورش را گم کند. باید بساطش را جمع کند تا تمام مردم، جوانان، زنان و کارگران و زحمتکشانش آن جامعه بتوانند روی آرامش، خوشی و شادی و رفاه ببینند و بتوانند زندگی در خور



تظاهرات علیه اعدام و در دفاع از زندانیان سیاسی، شنبه ۲۹ ژانویه

مالمو: ۲۹ ژانویه ساعت ۱ تا ۳
بعدازظهر
محل: Davidhallsbron

استکهلم: ۲۹ ژانویه ساعت ۲ تا ۴
در میدان سرگل
یوتسبوری: ۲۹ ژانویه، جزئیات
بیشتر بعدا به اطلاع خواهد رسید.

انگلیس:
لندن: شنبه ۲۹ ژانویه، ساعت ۲ تا
۴ بعدازظهر، میدان ترافالگار مقابل
ناشنال گالری

Trafalgar Square, North
Terrace (outside the
National Gallery)

هلند
دنهایخ: جمعه ۲۸ ژانویه، ساعت ۳
تا ۵ بعدازظهر مقابل پارلمان هلند

کلن: ۲۹ ژانویه، ساعت ۱ تا ۳
بعدازظهر
مکان: dom platte

کانادا
تورنتو: شنبه ۲۹ ژانویه، ساعت
۲ تا ۴ بعدازظهر
محل: تقاطع یانگ و دانداس، مقابل
در اصلی ایتون سنتر
آدرس و تلفن تماس:
wpicanada@yahoo.com
416 726 9321

ونکوور: ۲۹ ژانویه، زمان: شنبه ۲۹
ژانویه، ساعت ۲ بعدازظهر، مقابل
آرت گالری ضلع رایسون
تلفن تماس: ۶۰۴۷۲۷۸۹۸۶
سوئد:

لیست برنامه هائی که تا امروز
توسط سازمانها و نهادهای
مختلف منتشر شده است:

نروژ
اسلو: شنبه ۲۹ ژانویه، ساعت ۱ تا
۲ بعدازظهر مقابل سفارت جمهوری
اسلامی
ساعت ۲ و نیم تا ۳ و نیم در محل
وزارت امور خارجه نروژ
تلفن تماس: ۹۸۶۹۴۰۰۱

آلمان
برمن: شنبه ۲۹ ژانویه، ساعت ۲ تا
۵ بعدازظهر
محل: Marktplatz
تلفن تماس: صابر رحیمی
۰۱۷۲۴۰۳۷۰۳۵

تلفن های تماس:
بهمن خانی: 0651273261
یلدا بیرام: 0650994005
جزئیات برنامه در افغانستان بعدا به
اطلاع خواهد رسید.
افغانستان

لیست احزاب، نهادها و فعالین سیاسی که تا این لحظه برای تظاهرات ۲۹ ژانویه فراخوان داده اند:

بصیر نصیبی	تبعید	سارا فنائیان	شورای اتحادیه های کارگری ونکوور	کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان
علاوه بر این تاکنون بیش از ۱۷۰۰ نفر از طریق امضای بیانیه ای، خواهان آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی و لغو احکام اعدام و مجازات اعدام شده اند. لینک پتیشن برای امضا:	سازمان سوسیالیستهای کارگری افغانستان خاوران - کانون دفاع از زندانیان سیاسی نشریه شهروند، کانادا سبزهای سکولار تورنتو حزب همبستگی افغانستان نازنین افشین جم ایرج مصداقی رضا غفاری	حسن ماسالی صادق امیری عضو سابق کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری (مقیم سوئد) نهادها، نشریات و فعالین زیر نیز در تماس با مسئولین کمیته علیه اعدام، از تظاهرات ۲۹ ژانویه حمایت کرده اند: کانون زندانیان سیاسی ایران(در	و حومه در کانادا (VDLC) همبستگی، فدراسیون سراسری پنانهندگان ایرانی حزب کمونیست کارگری چپ عراق سیاوش مدرسی سیروس ملکوئی شها باور سوسن شهبازی نسان نودینیان پروین معاذی	سیاسی کمیته بین المللی علیه اعدام حزب کمونیست کارگری ایران حزب کمونیست ایران مبارزان کمونیست حزب کمونیست کارگری - حکمتیست کمپین برای آزادی کارگران زندانی ایران سولیداریتی علیه تبعیض، سازمان دفاع از حقوق زن در ایران

قید و شرط و فورا باید از زندان های
جمهوری اسلامی آزاد شوند. آزادی
بیان و عقیده حق مسلم همه مردم
است.

۴- از همه دولتها میخواهیم جمهوری
اسلامی را بخاطر این جنایات
محکوم کنند و روابط سیاسی و
دیپلماتیک خود را با آن قطع کنند. ما
هرنوع همکاری و مماشاشات با
جمهوری اسلامی و سکوت در مقابل
این جنایات را شدیداً محکوم
میکنیم

گسترش اعتراض در ایران و در سطح
بین المللی میدانیم. اعدام عملی
جنایتکارانه و ضدانسانی است و باید
تاما ملغی شود.

۲- کلیه احکام اعدام باید فورا ملغی
شود.
۳- تمامی زندانیان سیاسی، اعم از
فعالین دانشجویی، فعالین کارگری،
مدافعین حقوق زنان و یا کسانی که به
جرم عقیده و اعتراض و یا به جرم
اعتقادات مذهبی و یا عدم اعتقاد به
مذهب در زندان به سر میبرند، بدون

بیانیه دفاع از زندانیان سیاسی و علیه اعدام را امضا کنید

و فضای متحدانه ای برای اعتراض
شکل گرفته است.

خواست های زیر بخشی از
خواستهای مخالفین جمهوری
اسلامی است. ما همگان را، افراد،
احزاب و نهادها و سازمانهای مختلف
را، به حمایت از این خواست ها و
مبارزه متحد حول این خواست ها
فرامیخوانیم. همبستگی قابل توجهی
که در روزهای اخیر در خارج کشور
بوجود آمده است، با داشتن این
خواستها که خواست اکثریت مردم
ایران است، بیشتر تقویت میشود و
بنابراین همه شما را به حمایت فعال از
این خواست ها و اعلام آمادگی برای
گسترش مبارزه برای آزادی زندانیان
سیاسی و علیه اعدام فرامیخوانیم.

۱- ما اعدام های اخیر و صدور
احکام اعدام توسط جمهوری اسلامی
را شدیداً محکوم میکنیم و تنها راه
مقابله با رژیم اعدام و سرکوب را

[united/unite600.php?
nr=22774802&lang=fa](http://united/unite600.php?nr=22774802&lang=fa)

کمیته بین المللی علیه اعدام
۱۲ ژانویه ۲۰۱۱، ۲۲ دیماه ۱۳۸۹
متن بیانیه:

متحد و یکپارچه در دفاع از
زندانیان سیاسی و علیه اعدام
پیاخیزیم.

جمهوری اسلامی برای مقابله با
وضعیت انفجاری که در میان مردم
شکل گرفته است و از ترس گسترش
اعتراضات مردم، دست به اعدامهای
بیشتر زده و هرروز احکام اعدام
جدیدی علیه زندانیان سیاسی صادر
میکند تا به خیال خود مردم را به
تسلیم بکشاند. فضای اعتراضی در
سنندج و در سطح بین المللی مانع
اجرای حکم اعدام حبیب لطیفی شد
اما جمهوری اسلامی بلافاصله علی
صارمی و علی اکبر سیادت را اعدام
کرد. در مقابل این جنایات، خشم و
نفرت عمیقی میلیونها نفر را فراگرفته

تا کنون بیش از ۱۴۰۰ نفر از
ایران و از سراسر جهان، متن بیانیه ای
را با خواست لغو مجازات و احکام
اعدام، آزادی های سیاسی و عقیدتی
و آزادی کلیه زندانیان سیاسی و انزوای
سیاسی دیپلماتیک جمهوری اسلامی،
امضا کرده اند و با نوشتن متن
کوتاهی انزجار خود را از جمهوری
اسلامی اعلام کرده اند. این اقدام
بخشی از مبارزه علیه اعدام و در
دفاع از زندانیان سیاسی، و بخشی از
مبارزه برای عقب راندن حکومت
جنایتکار اسلامی است.

از همگان دعوت میکنیم این
بیانیه را امضا کنید، دوستان خود را
به امضای آن تشویق کنید، آنرا در
سایت و بلاگ خود بگذارید و به هر
طریق که میتوانید به گسترش آن یاری
رسانید:

[http://
stopstonningnow.com/](http://stopstonningnow.com/)

International Committee Against Stoning ([http://
stopstonningnow.com](http://stopstonningnow.com))

International Committee Against Execution ([http://
notonemoreexecution.org](http://notonemoreexecution.org))

For more information contact:

Spokesperson: minaahadi@aol.com
0049-177-569-2413

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و
بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلابی بدل میشود!

اطلاعیه مطبوعاتی شماره ۱۱۲:

حکم اعدام سکینه باید رسماً لغو شود،**در مورد شایعه لغو حکم اعدام سکینه محمدی آشتیانی**

امروز در برخی از رسانه ها ، شایعاتی مبنی بر لغو حکم اعدام سکینه محمدی آشتیانی پخش شده است. این شایعات با عطف توجه به نامه زهره الهیان رئیس کمیته حقوق بشر مجلس حکومت اسلامی به رییس جمهور برزیل است. زهره الهیان گفته است: " در روند محاکمه قضایی حکم سنگسار نهایی نشده و حکم اعدام این زن بدلیل گذشت و عفو اولیای دم به حالت تعلیق در آمده و تنها از بابت جنبه عمومی



جرم به ده سال حبس محکوم شده است." ایسنا خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران روز ۱۷ ژانویه ۲۰۱۱* این بخش از صحیتهای زهره الهیان ، اشاره به پرونده سکینه آشتیانی است در گذشته و در طول چند سال اخیر است و مربوط به امروز نیست. اگر جمهوری اسلامی ایران میخواهد حکم اعدام سکینه را لغو کند و یا تهدیدات به اعدام را که از سوی مقامات قوه قضاییه و

مسئولین پرونده در تبریز مطرح شده، را پس بگیرد، همان مقامات و مسئولین پرونده باید اینرا رسماً اعلام کنند. ما این حکومت را می شناسیم. هر یک از مسئولین حکومت حرفی میزنند و سپس این حرف را راحت پس میگیرند و هفت ماه است که در مقابل چشم جهانیان این بازی از سوی حکومت اسلامی در جریان

اعدام او را صادر کردند. حسین در يك نامه از درون زندان نوشت که او را روزهای طولانی بطور وحشیانه شکنجه کرده و تهدید کرده اند که اگر حرفهای آنها را تکرار نکند ، برادر و یا داماد آنها را نیز دستگیر میکنند و همین رفتار را با آنها نیز خواهند کرد. چنین بود که از حسین اقرار گرفتند و سپس حکم اعدام دادند. این سیستم قضاوت اسلامی است. و در طول ۳۲ سال همیشه چنین بوده است.

حسین را کشتند در حالیکه هنوز جرات نکرده اند، رسماً جنایت خود را به خانواده او بگویند. حسین را

**قاتلان، حسین خضری را هم کشتند!**

جلادان حسین خضری را سحرگاه امروز در ارومیه اعدام کردند اما حتی جرات نکردند، تاریخ و روز اعدام را علنی اعلام کنند و حتی به وکیل و خانواده اش اطلاع دهند. اخبار غلط پخش کردند، گفتند حسین را به زندانی دیگر برده اند، از دادن خبر اعدام به خانواده حسین ترسیدند و در خفا و سکوت، حسین را کشتند. از قبل اعلام نکردند و او را در خفا کشتند، چرا که میدانند در مقابل آن زندان و در مقابل آن چوبه

دار، مردم تجمع میکنند و در سراسر جهان معترضین به خیابان میایند و در مقابل کنسولگریها و سفارت خانه های حکومت اسلامی اعتراض میکنند. حسین خضری فعال سیاسی بود. او را دستگیر کرده و زیر شکنجه و توهین و بی حرمتی و تهدید وادار کردند، حرفهایی را که شکنجه گران میخواستند تأیید کند و سپس حکم

جمهوری اسلامی ایران قصد سنگسار کردن دو جوان همجنسگرا در پیرانشهر را دارد.

روی تصویر خامنه ای گذاشته و توزیع کرده اند. این فیلم به دست مزدوران حکومت اسلامی در پیرانشهر رسیده و برای زهر چشم گرفتن از این دو جوان، فوراً در يك دادگاه این دو نفر را به سنگسار محکوم کرده اند. خبرها حاکی از اینست که ممکنست جمعه این هفته ۲۱ ماه ژانویه این دو جوان را سنگسار کنند. کمیته بین المللی

طبق خبری که به دست ما رسیده است، ایوب و مصلح جوانان ۲۰ و ۲۱ ساله در خطر سنگسار شدن در پیرانشهر هستند. این دو جوان هم اکنون در زندان ارومیه هستند، اتهام آنها اینست که با دوستشان رابطه جنسی داشته و از آن فیلم گرفته اند، فیلم را با عکسهایی از احمدی نژاد میکس کرده و همچنین در تلفن موبایل این دو جوان عکس خری را

به یاد فرزاد صفی پور یکی دیگر از کشته شدگان در شورش عظیم مردم علیه حکومت اسلامی

او نیز به همراه میلیونها جوان در ایران خواهان يك زندگی انسانی بود. زندگی بدون تحقیر و اذیت و آزار زندگی در شرایطی آزادانه و امکان تحصیل و رفاه و امکان دوستی و داشتن روابط آزادانه ، و همه اینها از او نیز همچون همه جوانان ایرانی دریغ میشد. فرزاد با دیدن سیل عظیم حرکت جوانان برای آزادی و يك زندگی بهتر ، به این صف پیوست و متأسفانه در جریان یکی از تظاهراتها

فرزاد فقط ۱۸ سال داشت و در تظاهراتهای میلیونی مردم در ایران علیه حکومت اسلامی شرکت کرد و در جریان یکی از راهپیمایی ها ، در روز ۲۵ خرداد ۱۳۸۸ در تهران کشته شد. فرزاد متولد ۱۳۷۰ از شهرستان ابدانان بود . فرزاد در تظاهرات کشته شد و رژیم سعی در پنهان کردن این واقعه کرد و اکنون با گذشت بیش از یکسال از این واقعه هنوز کسی در مورد او حرفی نزده است.

است. سکینه محمدی آشتیانی به اتهام رابطه خارج از ازدواج به سنگسار محکوم شد و چهار سال قبل پرونده قتل همسر او بسته شد، در حالیکه سکینه در این پرونده مجرم شناخته نشد و به اتهام ایجاد

اخلال در نظم جامعه به ده سال زندان محکوم شد. حکومت اسلامی در مقابل اعتراضات جهانی، پرونده را تغییر داد و مجدداً سکینه را به اتهام شرکت در قتل همسرش ، مورد اذیت و آزار قرار داد. او را وادار کرد فیلم بازی کند و صحنه سازی کند و شمشیر اعدام را بالای سر او گذاشت. کمیته بین المللی علیه سنگسار خواهان لغو رسمی و علنی حکم

کمیته بین المللی علیه سنگسار ۱۷ ژانویه ۲۰۱۱

کشتند و لابد جرات نخواهند کرد پیکرش را تحویل دهند چرا که میدانند آتشی برپا خواهد شد و جانینان از همین میترسند. همچنان که جنازه فرزند کمانگر و همراهانش را تحویل ندادند و حتی محل دفن آنها را مخفی نگهداشتند. امروز این حکومت از سایه خودش هم میترسد. میکشد تا خود را سر پا نگهدارد. اما این جنایات مردم را در تصمیم برای بریز کشیدن این جانینان مصمم تر خواهد کرد.

کمیته بین المللی علیه اعدام، قتل حسین خضری عزیز توسط قاتلان حکومت اسلامی را شدیداً

اعلام کنند که نخواهند گذاشت این فاجعه در پیرانشهر اتفاق بیفتد. باید دسته جمعی اعلام کنیم که نخواهیم گذاشت دو جوان را برای زهر چشم گرفتن از جوانان معترض در ایران سنگسار کنند. خبر محکومیت مصلح و ایوب به سنگسار را باید در همه جا پخش کرد و از دنیا خواست به این حکم ظالمانه و وحشیانه اعتراض کنند. بعد از کمپین گسترده و جهانی علیه حکم سنگسار سکینه محمدی

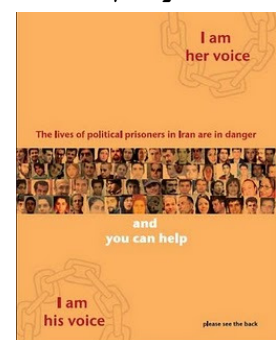
محکوم میکنند و به خانواده و بستگان و دوستان او تسلیت میگوید. از همه مردم آزادیخواه در داخل و خارج کشور میخواهیم به هر شکل که میتوانند به این جنایت اعتراض کنند. از همه مردم آزاده میخواهیم با تمام قوا خود را برای شرکت هرچه گسترده تر در تظاهرات جهانی روز شنبه ۲۹ ژانویه آماده کنند و مشت محکمی بر پوزه رهبران حکومت اسلامی بزنند. این حکومت باید سرنگون شود و بدست توانای مردم ایران سرنگون خواهد شد.

کمیته بین المللی علیه اعدام ۱۵ ژانویه ۲۰۱۱

کمیته بین المللی علیه اعدام، قتل حسین خضری عزیز توسط قاتلان حکومت اسلامی را شدیداً

اعلام کنند که نخواهند گذاشت این فاجعه در پیرانشهر اتفاق بیفتد. باید دسته جمعی اعلام کنیم که نخواهیم گذاشت دو جوان را برای زهر چشم گرفتن از جوانان معترض در ایران سنگسار کنند.

خبر محکومیت مصلح و ایوب به سنگسار را باید در همه جا پخش کرد و از دنیا خواست به این حکم ظالمانه و وحشیانه اعتراض کنند. بعد از کمپین گسترده و جهانی علیه حکم سنگسار سکینه محمدی

کارت پستال کارزار "من صدای او هستم"

یا اسامی جانباختگان تظاهراتهای میلیونی یکسال قبل را جمع آوری میکنند، میخواهم که اسم فرزاد صفی پور ۱۸ ساله را نیز به لیست خود اضافه کنند یاد این عزیزان را که جان خود را در دفاع از آزادی، از دست دادند ، با ادامه دادن به راهشان برای سرنگون کردن حکومت اسلامی، گرامی میداریم. مینا احدی سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام علیه سنگسار کلن ۲۰ ژانویه ۲۰۱۱ minaahadi@aol.com

اطلاعیه شماره ۸۵

شورای اتحادیه های کارگری ونکوور و حومه در کانادا به لیست فراخوان دهندگان ۲۹ ژانویه پیوست

روز ۱۸ ژانویه شورای اتحادیه های کارگری ونکوور و حومه در کانادا (VDLC) در جلسه ماهانه خود قطعنامه پیشنهادی مسعود ارژنگ از فعالین کمپین برای آزادی کارگران زندانی را به اتفاق آرا به تصویب رساند و در آن خواهان اضافه شدن این شورا را به لیست فراخوان دهندگان تظاهرات جهانی ۲۹ ژانویه علیه اعدام و دفاع از زندانیان سیاسی در ایران شد.

شورای اتحادیه های کارگری ونکوور و حومه در کانادا (VDLC)، سازمان محلی کنگره کار کانادا و دومین شورای کار در کانادا است که ۱۱۸ اتحادیه با ۶۵۰۰۰ کارگر مرد و زن را شامل میشود. این شورا قبلا نیز در تاریخ ۱۷

کارگران کیان تایلر بعد از ۹ روز اعتصاب با عقب نشینی مدیریت به اعتصاب خود خاتمه دادند

بنابر گزارشهای منتشر شده از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران، بدنبال نصب بیانیه ای از سوی کارگران کیان تایلر بر روی تابلو اعلانات کارخانه و عزم آنان برای برپایی تجمع اعتراضی در ۲۶ دی ماه در مقابل وزارت صنایع، بعد از ظهر این روز مطالبات جاری معوقه این کارگران به حساب آنان واریز شد و کارگران با گرفتن بخشی از مطالبات خود به اعتصاب موفق ۹ روزه خود خاتمه دادند.

این کارگران از روز ۱۸ دی در اعتراض به عدم پرداخت بموقع دستمزدهای جاری خود و نیز عدم پرداخت دستمزد مهر ماه امسال و ۴ ماه از دستمزد سالهای گذشته خود دست به اعتصاب زد بودند. تحت فشار این اعتراضات مدیریت ناگزیر شد مطالبات جاری کارگران را به حسابشان واریز کند و همچنین در این روز از سوی مسئولین وزارت صنایع با نمایندگان کارگران مذاکره ای صورت گرفت که در آن مدیریت متعهد شد که دستمزدهای کارگران هر ماهه بموقع پرداخت شود و وزارت صنایع نیز مقدمات واگذاری کارخانه کیان تایلر به بانک سپه را که طلبکار

از آنجا که فعالین کارگری همچنان دستگیر و به احکام زندانی طولانی مدت محکوم میشوند، و از جمله بهنام ابراهیم زاده که جرم او تلاش برای ایجاد تشکل کارگری است و اخیرا به ۲۰ سال زندان محکوم شده است،

و از آنجا که کمپینی جهانی وجود دارد و روز ۲۹ ژانویه بعنوان روز اعتراض علیه اعدام و برای آزادی زندانیان سیاسی اعلام شده است.

از روز جهانی دفاع از زندانیان سیاسی، روز ۲۹ ژانویه، و ادامه اعتراض به وضعیت فعالین کارگری و سایر فعالین سیاسی در ایران و اعتراض به احکام ناعادلانه زندان و اعدام، حمایت میکند.

لطفا اسم شورای اتحادیه های کارگری ونکوور و حومه در کانادا (VDLC) را به فهرست سازمانهایی که از ۲۹ ژانویه ساپورت کرده اند، اضافه کنید.

زندگی آنها را تامین کند میخوانند. یک رمز مهم موفقیت این کارگران متکی بودن آنها به مجمع عمومی بزرگشان و عمل متحد آنهاست. باید با اتکاء به مجمع عمومی این صف متحد را متحد تر کرد. موفقیت کارگران کیان تایلر در این دور از اعتصاباتشان، بدون شک این کارگران را در موقعیت قویتری برای پیگیری طلبهایشان و دیگر مطالبات خود قرار داده است. کارگران نه تنها باید خواستار دستمزدهای پرداخت نشده خود باشند، بلکه باید خواهان افزایش فوری و چندین برابر دستمزدها باشند. همانطور که قیمت اجناس افزایش می یابد باید دستمزد کارگران نیز منطقی افزایش یابد. باید امروز پرچم افزایش دستمزدها فوری و در گام اول یک میلیون تومان را همه جا برافراشت. باید در هر حرکت و اعتراض یا شعار زندگی انسانی حق مسلم ماست، صف خود را متحدتر کرد و در برابر تعرضات هر روزه جانینان اسلامی به زندگی و معیشت خود ایستاد.

آزادی، برابری، حکومت کارگری مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی حزب کمونیست کارگری ایران ۲۷ دی ۱۳۸۹، ۱۷ ژانویه ۲۰۱۱

اطلاعیه شماره ۸۴

کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده تشکیل شد

با اعلام همبستگی به این کمیته با تمام قوا برای آزادی بهنام ابراهیم زاده تلاش کنیم

بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری و فعال دفاع از حقوق کودک از ۲۲ خرداد در زندان است و جانینان اسلامی به او ۲۰ سال حکم زندان و ده سال محرومیت از فعالیت اجتماعی داده اند. جرم بهنام دفاع از حقوق کارگر، دفاع از حقوق کودک و حقوق انسانی است. باید به ادامه بازداشت بهنام و صدور بیست سال حکم زندان برای او وسیعا اعتراض کرد. خانواده بهنام ابراهیم زاده، در ادامه کمپینی که برای آزادی بهنام اعلام کرده بودند، هم اکنون کمیته ای در دفاع از او تشکیل داده اند، متن بیانیه اعلام موجودیت این کمیته ضمیمه است، به هر شکل که میتوانیم به این اعتراض بپیوندیم و همراه با این کمیته برای آزادی بهنام ابراهیم زاده و همه کارگران زندانی تلاش کنیم.

تشکیل کمیته دفاع از حقوق بهنام ابراهیم زاده کارگر زندانی

کارگران، مردم آزادی خواه

در تاریخ ۲۲/۳/۸۹ کارگر پاریسیان ابراهیم زاده (بهنام) کارگر پاریسیان لوله واقع در جاده قدیم تهران - قم به جرم دفاع از حقوق کارگران و کودکان از طرف دولت دستگیر و در زندان اوین در بند ۳۵۰ به سر می برد. بعد از چند بار محاکمه سرانجام این فعال کارگری به بیست سال زندان محکوم شده است.

ما خانواده اسعد ابراهیم زاده (بهنام) از این تاریخ ۲۶/۱۰/۸۹ اقدام به تشکیل کمیته ای به نام دفاع از حقوق بهنام ابراهیم زاده می کنیم. لذا از کلیه کارگران، معلمان، دانشجویان، پرستاران، نویسندگان و انسان های آزادی خواه را فراخوانده است که در حمایت از بهنام به حرکت آنها بپیوندند. وسیعا به این فراخوان پاسخ دهیم.

طومار های اعتراضی بنویسیم و در حمایت از بهنام ابراهیم زاده به نهادهای بین المللی بفرستیم. و صدای اعتراض بهنام و خانواده او را در سطح جهانی انعکاس دهیم. بهنام ابراهیم زاده و همه کارگران زندانی باید فوراً از زندان آزاد شوند. کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد

کمپین برای آزادی کارگران زندانی



shahla_daneshfar@yahoo.com
00447779898968
bahram.soroush@gmail.com
00447852338334

شهلا دانشفر
بهرام سروش

برای امضای طومار اعتراضی کمپین برای آزادی کارگران زندانی و پیگیری اخبار مربوط به کارگران زندانی به وب لاگ ویژه این کمپین سر بزیند <http://free-them-now.blogspot.com/p/>

برای امضای طومار اعتراضی کمپین برای آزادی کارگران زندانی و پیگیری اخبار مربوط به کارگران زندانی به وب لاگ ویژه این کمپین سر بزیند

برای امضای طومار اعتراضی کمپین برای آزادی کارگران زندانی و پیگیری اخبار مربوط به کارگران زندانی به وب لاگ ویژه این کمپین سر بزیند

برای امضای طومار اعتراضی کمپین برای آزادی کارگران زندانی و پیگیری اخبار مربوط به کارگران زندانی به وب لاگ ویژه این کمپین سر بزیند

برای امضای طومار اعتراضی کمپین برای آزادی کارگران زندانی و پیگیری اخبار مربوط به کارگران زندانی به وب لاگ ویژه این کمپین سر بزیند

برای امضای طومار اعتراضی کمپین برای آزادی کارگران زندانی و پیگیری اخبار مربوط به کارگران زندانی به وب لاگ ویژه این کمپین سر بزیند



می‌کوشد تا به پشت صحنه بردن چهره‌های منفور، کل ماشین دولتی اعم از ارتش و دیگر ارگانهای سرکوب را حفظ کند و حداکثر با دخیل کردن برخی از جریانان اسلامی و ناسیونالیست و مرتجع اپوزیسیون در "دولت ائتلافی"، سیستم اختناق و استعمار فعلی را مشروعیت بخشیده و حفظ کند. اسم رمز این نقشه شوم و شناخته شده ظاهر "انقلاب یاسمین" است که قرار است طبق الگوهای "انقلاب های رنگی" مبارزه و انقلاب واقعی مردم را با قدری دست به دست کردن قدرت بین بخش های مختلف هیات حاکمه سابق به شکست بکشاند. کارگران و مردم در تونس باید انقلاب خود را به پیش رانند و برای پیروزی باید بر خواسته ها اقداماتی نظیر آزادی فوری و بی قید و شرط زندانیان سیاسی، محاکمه فوری "بن علی" و همه عاملان کشتارهای اخیر، لغو هرگونه حکومت نظامی، انحلال فوری همه دستگاههای سرکوب،

انقلاب در تونس: به پیش!

جهان و بویژه در کشورهای عربی دامن زد. در برخی کشورها تظاهرات هایی در دفاع از مردم تونس برپا شد و در باقی کشورها غبار نگرانی و خوف بر چهره دیکتاتورهای رنگارنگ نشانند. در ایران نیز که مردم تظاهرات یکماهه اخیر در تونس و صحنه های مشابه انقلاب سال ۸۸ بر علیه جمهوری اسلامی را با علاقه دنبال کرده اند، فرار دیکتاتور تونس را به مردم این کشور تبریک گفتند و در مبارزه خود برای رهایی از شر جمهوری اسلامی احساس قدرت کردند. شروع انقلاب در تونس واقعه ای مهم است که تاثیرات وسیعی بویژه در منطقه و بویژه کشورهای موسوم به "جهان عرب" خواهد داشت. این انقلاب باید با قدرت تمام به پیش رود و به پیروزی برسد. هیات حاکمه تونس در هماهنگی با قدرتهای غربی، بویژه فرانسه و آمریکا،

روز جمعه ۱۴ ژانویه ۲۰۱۱ تظاهرات و مبارزات یکماهه کارگران و مردم زحمتکش تونس بر علیه بیکاری، فلاکت و حکومت فاسد پلیسی منجر به فرار "بن العابدین بن علی" دیکتاتور این کشور گردید. این اولین شمره مبارزه مردم تونس در تلاش برای تحقق آزادی و برابری و شروع انقلابی است که پیروزی آن نمی تواند چیزی کمتر از سلب کامل قدرت از هیات حاکمه فعلی، در هم شکستن ماشین دولتی و دستگاه سرکوبی که در نیم قرن گذشته علیه مردم شکل گرفته، و برقراری حکومت مستقیم شهروندان متکی بر شوراها و ارگانهای توده ای اعمال قدرت آنها باشد.

پیروزی برق آسای مردم تونس در فراری دادن "بن علی" که در ۲۳ سال گذشته در راس دستگاه مخوف آدم کشی قرار داشت، موجی وسیع از شادی و امید در بین همه محرومان

باید فوراً کنار رود. متحقق کردن این خواستها و به جلو سوق دادن انقلاب تنها میتواند بر بسیج و تشکل توده های وسیع کارگران و مردم محروم در تونس ممکن شود.

ما خواهان پیشروی و پیروزی همه جانبه انقلاب کارگران و مردم محروم در تونس هستیم و پیروزی آنها پیروزی همه محرومان و مردم جهان و از جمله مردم ایران خواهد بود.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۶ ژانویه ۲۰۱۱، ۲۶ دی ۱۳۸۹

افشای دزدی ها و چپاول مقامات حاکم، تشکییل و اعمال قدرت شوراها و ارگانهای مستقیم اداره امور در کارخانه ها، ادارات، دانشگاه ها و محلات، برقراری آزادی بی قید و شرط اعتصاب، تشکل، بیان و فعالیت سیاسی، افزایش فوری دستمزدها و غیره تاکید گذارند. هیچ "دولت ائتلافی" و غیر ائتلافی که این خواستها و اقدامات را برسمیت نشناسد و به آنها عمل نکند مشروعیت ندارد. ادامه اوضاع فلاکتبار و دیکتاتوری سابق است و

میتواند فضائی داغ در میان مردم دامن بزند و نقطه عطفی در مبارزه ایرانیان مقیم خارج بوجود آورد. دست به دست هم بدهیم و توطئه شوم جمهوری اسلامی را در نطفه خفه کنیم.

ما وظیفه داریم و واقعا میتوانیم جلوی دستگیری ها، اعدامها، محکومیت های سنگین، و تشدید فضای سرکوب را بگیریم. این توان را داریم. با تمام قوا به میدان بیاییم و جنبش قدرتمند و همه جانبه ای علیه جمهوری اسلامی، علیه اعدام ها و در دفاع از زندانیان سیاسی سازمان دهیم.

با احترام-مینا احدی
سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام-۱۵ ژانویه ۲۰۱۱

دعوت تعدادی از سازمانها، نهادها و فعالین سیاسی فراخوان تظاهرات داده شده است، انتظار داریم رسانه های ایرانی در خارج از کشور، بخشی از برنامه های هرروزه خود را به این مساله مهم اختصاص دهند، مردم را به تظاهرات فراخوانند، با خانواده های زندانیان و فعالین و دست اندکاران این حرکت مصاحبه کنند، و نقش مهم خود را ایفا کنند.

این يك حرکت متحدانه و مهم است که میتواند توجه دنیا را به اعدامهای گسترده در ایران و به موقعیت بسیار وخیم همه زندانیان سیاسی اسیر در سیاهچالهای حکومت اسلامی جلب کند. میتواند مشوق به حرکت درآمدن هزاران نفر از ایرانیان مقیم این کشورها شود،

حمایت خواهند کرد، رسانه های بین المللی هم این فعالیت ها را تحت پوشش قرار خواهند داد، و حتی دولت ها و احزاب حاکم مجبور به عکس العمل خواهند شد. در جریان کمپین نجات سکینه، رسانه های بین المللی در سراسر جهان نه تنها این مبارزه را پوشش دادند، بلکه تعداد قابل توجهی از رسانه ها از برزیل تا انگلیس و آلمان و سوئد و ... خود کمپین فراخوان دادند و فعالانه در این حرکت شریک شدند. اینبار نیز با توجه به اهمیت مساله اعدام ها و دفاع از جان زندانیان سیاسی، میتوانیم و باید دنیا را به حرکت درآوریم. نقش رسانه های ایرانی در خارج از کشور به این معنی بسیار مهم است در ایجاد فضائی علیه جمهوری اسلامی، در دفاع از زندانیان سیاسی و علیه اعدام ها. اینرا مردم ایران، پدران و مادران و کودکان نگران از اعدام بستگانشان، خانواده های نگران از محکوم شدن عزیزانشان به ده سال و بیست سال زندان در شکنجه گاههای حکومت قرون وسطانی جمهوری اسلامی، از ما انتظار دارند و ما باید با شور و احساس تمام به این انتظارات بحق پاسخ دهیم. اکنون که روز شنبه ۲۹ ژانویه به



نامه مینا احدی به رسانه های ایرانی در خارج کشور

دوستان عزیز

همانطور که در جریان هستید، به دعوت سازمانها و گروههای متعدد اپوزیسیون جمهوری اسلامی ایران، روز شنبه ۲۹ ژانویه روز دفاع جهانی با زندانیان سیاسی و روز اعتراض به اعدامها در ایران اعلام شده است.

با توجه به خطراتی که زندانیان سیاسی و محکومین به اعدام را تهدید میکند، و با توجه به اینکه رهبران و فعالین همه جنبش های اجتماعی در ایران از دانشجو و معلم و کارگر و مدافع حقوق کودک و زن و وكلا و فعالین سیاسی و در هفته های گذشته به اعدام و زندان های سنگین محکوم شده اند و با توجه به نگرانی مردم بویژه خانواده های زندانیان سیاسی و فعالین جنبش های اجتماعی، و با توجه به نقشه های شوم رژیم برای تداوم و تشدید دستگیری و سرکوب و اعدام، وظیفه همه ما است که حرکت قدرتمند و مستمری را در مقابل جمهوری اسلامی سازمان دهیم و این نقشه ها و توطئه ها را نقش بر آب کنیم. اینبار نباید بگذاریم مثل دهه

شصت، رژیم در سکوت بین المللی، هر جنایتی خواست مرتکب شود. این بار رژیم در موقعیتی شکننده و متفاوت است و از ترس گسترش اعتراضات توده ای و از ترس مرگ است که مستاصالانه به این جنایات روی آورده است و فضای بین المللی نیز کاملا متفاوت از دهه شصت میباشد. موقعیت اپوزیسیون بسیار متفاوت است، صدها رسانه فارسی زبان و یا رسانه های منتقد حکومت اسلامی و معطوف به ایران در نقاط مختلف دنیا مشغول فعالیت هستند و همه اینها فاکتورهائی است که در دهه شصت وجود نداشت. اینبار نوبت مردم است که پاسخ جنایات دهه شصت را بدهند و بر سر جمهوری اسلامی همان آورند که بر سر رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی و رژیم های فاشیست دهه چهل آمد. کمپین نجات سکینه نشان داد که اگر ما با تمام توانمان به میدان بیاییم، مردم شریف دنیا نیز از ما

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

kazem.nikkhah@gmail.com

دستیار سردبیر: شهاب دانشفر

هماهنگ کننده صفحه بازتاب: بهروز مهربادی

ای میل: anternational@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!